

نسل‌مانا

ماهنامه نابینایان / سال دوم / شماره ۲۳ / آبان ماه ۱۴۰۲



The 4th Asian Para



ملیحه صفایی بانوی ۴ طای کاروان ایران در پارا آسیایی هانگژو

برخی عناوین این شماره:

* نتایج قابل انتظار ورزشکاران نابینا و کم‌بینا در پارا آسیایی هانگژو

* زندگی میدان رقابت نیست: قهرمان خودت باش

* وکیل پایه یک دادگستری: فعالیت کمپین معلولان قانونی است

* نمایشگر بریل با قابلیت پشتیبانی از تصاویر برجسته

* پیش‌اعترافات یک جاسوس بالفطره

فهرست

صاحب‌امتیاز: انجمن نابینایان ایران

مدیرمسئول: امیر سرمدی

سر‌دبیر: امید هاشمی

نویسندگان: رؤیا بابایی، فاطمه جوادیان، نگین حیدری، امیر سرمدی، ابوذر سمیعی، منصور شادکام، رقیه شفیعی، مسعود طاهریان، محمد نوری، امید هاشمی و زهرا همت

مترجمان: میثم امینی، مریم مشایخی و امید هاشمی

ویراستار: فاطمه محسن‌زاده

ویراستار بریل: روح‌الله رنجبر

طراح لوگو و جلد: ترانه میلادی

عوامل تهیه و تدوین پادکست‌ها: اشکان آذرماسوله، نگین حیدری، امیر سرمدی، رقیه شفیعی، مسعود طاهریان و امید هاشمی

گوینده نسخه صوتی: زهرا همت

تنظیم نسخه‌های الکترونیکی: زهرا همت

مدیر شبکه‌های اجتماعی: امیر سپهری

مدیر صفحه اینستاگرام: اعظم چلوی

چاپ بریل: بخش نابینایان کتاب‌خانه مرکزی یزد

صحاف: ماهرخ تجا

توزیع: اداره کل پست استان یزد

حامیان مالی: باشگاه تشریفاتی اقدسیه، بانک مسکن، پرداخت الکترونیک سداد، شرکت دانش‌بنیان پکتوس

با سپاس از همراهی علی‌اکبر جمالی، مدیرعامل انجمن نابینایان ایران

نتایج قابل انتظار ورزشکاران نابینا و کم‌بینا در

پاراآسیایی هانگژو ۲

گزارش عملکرد انجمن نابینایان ایران (آبان ۱۴۰۲)

..... ۷

پیشخوان: مروری بر جدیدترین پادکست‌ها و

نشریه‌های انگلیسی‌زبان ویژه آسیب‌دیدگان بینایی ۹

زندگی میدان رقابت نیست: قهرمان خودت باش! ۱۲

در انتظار غروبی خاکستری ۱۳

نگاهی به امکان استفاده از هوش مصنوعی برای

تشخیص تصاویر در برنامه بی‌مای‌آیز ۱۵

وکیل پایه ۱ دادگستری: فعالیت کمپین معلولان

قانونی است ۱۷

مشاغل از نگاه یوتیوبر نابینا ۲۰

معلولان و حقوق کار ۲۳

تولد شکوفه‌ها در شوره‌زار (کشف و پرورش

استعدادهای افراد نابینا و کم‌بینا) ۲۴

نواک: نوای کتاب در گفتگو با صاحب‌نظران نابینا ۲۸

برای ۱۲ آذر روز جهانی معلولین ۳۰

سال‌شمار زندگی و خدمات احمد رضا ۳۱

پیش‌اعترافات یک جاسوس: ای‌دهد صبا به سبا

می‌فرستمت ۳۲

نسل‌مانا

نقره و ۴۱ برنز) برای اولین بار در جایگاه دوم بازی‌های پاراآسیایی قرار گرفتند و تاریخ‌ساز شدند. چین میزبان با ۵۲۱ مدال (۲۱۴ طلا، ۱۶۷ نقره و ۱۴۰ برنز) در جایگاه اول قرار گرفت و ژاپن نیز پس از ایران با ۱۵۰ مدال (۴۲ طلا، ۴۹ نقره و ۵۹ برنز) سوم شد. کشورهای کره جنوبی، هند، اندونزی، تایلند، ازبکستان، فیلیپین و هنگ‌کنگ، به ترتیب، در جایگاه چهارم تا دهم جدول رده‌بندی توزیع مدال‌ها قرار گرفتند. ایران در مجموع چهار دوره حضور خود در بازی‌های پاراآسیایی موفق به کسب دو عنوان چهارمی در بازی‌های پاراآسیایی ۲۰۱۰ گوانگجو با ۸۰ مدال (۲۷ طلا، ۲۴ نقره، ۲۹ برنز) و بازی‌های پاراآسیایی ۲۰۱۴ اینچئون ۱۲۰ مدال (۳۷ طلا، ۵۲ نقره و ۳۱ برنز) شد.

در سومین دوره این بازی‌ها که سال ۲۰۱۸ به میزبانی جاکارتای اندونزی برگزار شد، ایران برای اولین بار توانست با کسب ۱۳۶ مدال (۵۱ طلا، ۴۳ نقره و ۴۲ برنز) در جایگاه سوم قرار گیرد. به نسبت دوره قبلی مسابقات پاراآسیایی، با وجود افزایش سه رشته اعزامی (۲۱۰ نفر در قالب شانزده رشته اعزامی به هانگژو و ۲۰۸ نفر در قالب سیزده رشته اعزامی به جاکارتا) ۷ مدال طلا کمتر در هانگژو نصیب کاروان ایران شد، اما ورزشکاران کشورمان موفق شدند با ۲ مدال طلای بیشتر نسبت به ژاپن، عنوان دومی جدول مدال‌ها را از آن خود کنند؛ جایگاهی که پنج سال پیش با کسب دو طلای بیشتر نیز می‌توانستند به آن دست یابند که کره جنوبی با ۵۳ طلا و ۲ طلا بیشتر نسبت به ایران در آخرین روز مسابقات مانع آن شد.

پاراآسیایی هانگژو از نگاه آمار

در مسابقات پاراآسیایی هانگژو، سه‌هزار ورزشکار از ۴۳ کشور آسیایی حضور داشتند و ۲۸ کشور موفق به کسب مدال شدند. در مجموع، ۵۰۲ مدال طلا، ۴۹۹ مدال نقره و ۵۷۲ مدال برنز در این مسابقات توزیع شد. ایران با ۲۱۰ ورزشکار در شانزده رشته ورزشی مردان و یازده رشته ورزشی زنان در این رویداد مهم آسیایی شرکت

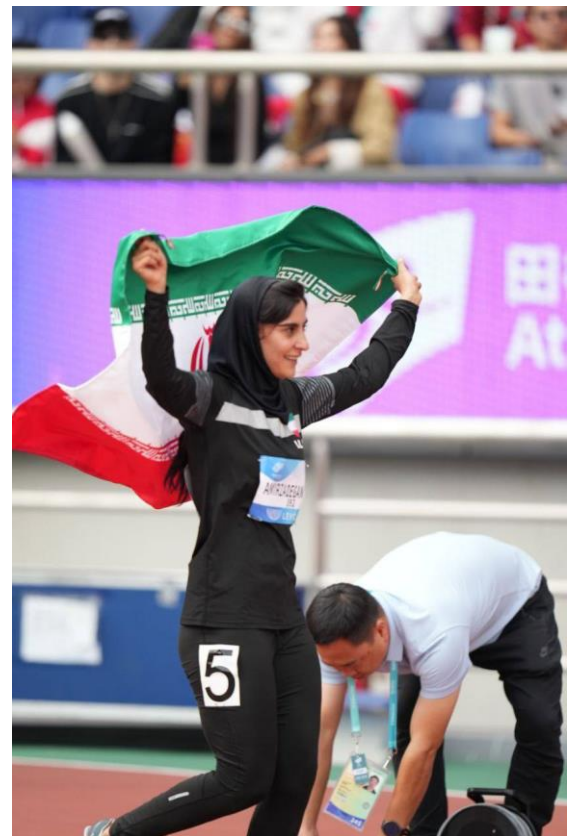
نتایج قابل انتظار ورزشکاران نابینا و

کم‌بینا در پاراآسیایی هانگژو

امیر سرمدی: مدیرمسئول

چهارمین دوره مسابقات پاراآسیایی هفته اول آبان‌ماه در شهر هانگژو کشور چین به پایان رسید و کاروان کشورمان با کسب عنوان نایب‌قهرمانی به کار خود خاتمه داد. در این یادداشت به نتایج به دست آمده کاروان فرزندان ایران، تفکیک نتایج رشته‌های مختلف ورزش نابینایان حاضر در این مسابقات و مقایسه نتایج آنها با ادوار قبلی مسابقات پاراآسیایی خواهیم پرداخت.

تاریخ‌سازی با کسب عنوان نایب‌قهرمانی



کاروان ایران در بازی‌های پاراآسیایی هانگژو با شعار ایمان، ایران، افتخار، با نام «فرزندان ایران» و به سرپرستی دکتر کمال جوانمرد در این دوره از بازی‌ها که از ۳۰ مهر تا ۶ آبان برگزار شد، حضور یافت. ورزشکاران کشورمان در بازی‌های پاراآسیایی هانگژو که به علت شیوع کرونا به‌جای سال ۲۰۲۲ در اکتبر ۲۰۲۳ برگزار شد، با کسب ۱۳۱ مدال رنگارنگ (۴۴ مدال طلا، ۴۶

دهیم، در مجموع عملکرد دوومیدانی، شطرنج و جودو در هانگژو مانند جاکارتا، عملکرد گل‌بال آقایان و بانوان بدتر از اندونزی، عملکرد فوتبال پنج‌نفره ضعیف‌تر از اینچئون و نتایج تیم شنا نسبت به دوره قبلی این رقابت‌ها رضایت‌بخش‌تر بود. در ادامه به نتایج تفکیکی رشته‌های مختلف ورزش نابینایان در پاراآسیایی هانگژو نگاهی می‌اندازیم و نتایج این رشته‌ها را با ادوار قبلی بازی‌های پاراآسیایی مقایسه می‌کنیم.

کسب ۱۷ مدال در رشته دوومیدانی



دوندگان و پرتابگران نابینا و کم‌بینا با شانزده ورزشکار اعزامی به هانگژو، ۱۷ مدال (۸ طلا، ۶ نقره ۳ برنز) را از آن خود کردند و ۷ مدال کمتر از جاکارتا به دست آوردند. این در حالی است که کاروان دوومیدانی نابینایان با ۲۱ ورزشکار در ۲۰۱۸ اندونزی حاضر شده بود و موفق به کسب ۲۴ مدال (۸ طلا، ۶ نقره ۱۰ برنز) شده بود؛ بنابراین کاهش ۷ مدال برنز نابینایان در این رشته، با توجه به کاهش اعزام پنج‌نفری ورزشکاران دوومیدانی به هانگژو، به نسبت قابل توجیه است. دوومیدانی نابینایان در مسابقات ۲۰۱۴ اینچئون نیز ۱۸ مدال (۳ طلا، ۱۳ نقره، ۲ برنز) را نصیب کاروان کشورمان کرده بود.

مدال‌های طلای نابینایان در رشته دوومیدانی در هانگژو را امیرحسین علی‌پور در پرتاب وزنه، مهدی اولاد در پرتاب دیسک، علی پیروج در پرتاب نیزه، مهرداد مرادی در دوی صد و چهارصد متر، هاجر صفرزاده در دوی دویست متر، فاطمه امیرزادگان در دوی چهارصد

کرده بود که سهم ورزشکاران مرد در مدال‌آوری برای کاروان ایران ۸۹ مدال و سهم بانوان نیز ۴۰ مدال بود. ۲ مدال نیز در بخش میکس به دست آمد. فاطمه بیات با سیزده سال سن در رشته شطرنج معلولان و اسدالله عظیمی با ۶۴ سال سن در رشته پارا دوومیدانی، جوان‌ترین و مسن‌ترین ورزشکاران کاروان فرزندان ایران بودند. در این دوره از بازی‌ها، ایران برای اولین بار در رشته پارا وزنه‌برداری بانوان و شطرنج جانبازان و معلولان نماینده داشت.

نتایج قابل انتظار ورزش نابینایان در هانگژو



نابینایان و کم‌بینایان که با ۵۷ ورزشکار در شش رشته ورزشی گل‌بال، فوتبال پنج‌نفره، دوومیدانی، شطرنج، جودو و شنا در هانگژو به مصاف حریفان خود رفتند، در مجموع ۴۳ مدال (۱۴ طلا، ۱۶ نقره و ۱۳ مدال برنز) را به دست آوردند، در حالی که نابینایان و کم‌بینایان در ۲۰۱۸ جاکارتا، با ۵۵ ورزشکار در شش رشته گل‌بال، شنا، جودو، شطرنج، دوومیدانی و دوچرخه‌سواری موفق به کسب ۴۸ مدال (۱۵ طلا، ۱۴ نقره و ۱۹ مدال برنز) شده بودند. نابینایان حالا با احتساب ۴ مدال طلای ۲۰۱۰ گوانگژو، ۷ طلای ۲۰۱۴ اینچئون، ۱۵ طلای ۲۰۱۸ جاکارتا و ۱۴ طلای هانگژو، مجموع مدال‌های طلای خود در مسابقات پاراآسیایی را به عدد چهل رسانده‌اند. نابینایان در ۲۰۲۲ هانگژو ۵ مدال کمتر نسبت به جاکارتا به دست آوردند و از نظر تعداد مدال‌های به دست آمده، کارنامه ضعیف‌تری نسبت به اندونزی از خود به‌جای گذاشتند، اما اگر تعداد ورزشکاران اعزامی در رشته‌های مختلف، رنگ و تعداد مدال‌ها را مدنظر قرار

نسلمانا

راهی هانگژو شده بود، وحید جدی و امید جعفری به علت مثبت شدن تست دوپینگشان، پیش از اعزام از شرکت در مسابقات تعلیق شده بودند و پیش از برگزاری رقابت‌ها، به ایران بازگشتند. در خبرها آمده بود این دو ورزشکار به علت عدم گرفتن کلاس‌بندی پزشکی به روی تاتامی نرفته‌اند، اما پیگیری‌ها حاکی از آن است که هر دو تا سال ۲۰۲۴ کلاس‌بندی بین‌المللی پزشکی را دارند.

شطرنج‌بازان بازهم خوش درخشیدند



شطرنج‌نابینایان که با دوازده ورزشکار در دو بخش آقایان و بانوان و در دو کلاس ب ۱ و ب ۲ - ب ۳ و در دو ماده استاندارد و ریپید در هانگژو حاضر شده بود، موفق به کسب ۱۳ مدال (۴ طلا، ۵ نقره ۴ برنز) شد و به نسبت جاکارتا تنها ۱ مدال نقره کمتر به دست آورد. در کلاس ب ۱ بانوان، ملیحه صفایی در هر دو بخش استاندارد و سرعتی، دو مدال طلا و در مسابقات تیمی همین کلاس و در هر دو بخش استاندارد و سرعتی، ملیحه صفایی، لیلا زارع‌زاده و سمیرا آقایی موفق به کسب دو گردن‌آویز طلا شدند. لیلا زارع‌زاده در بخش سرعتی نیز یک مدال برنز به دست آورد. در کلاس ب ۲ - ب ۳ بانوان و در بخش تیمی مسابقات استاندارد و سرعتی، عاطفه نقوی، مریم رحیم‌زاده و فاطمه رحیمی دو مدال نقره به دست آوردند. عاطفه نقوی در ماده سرعتی نیز یک مدال برنز را از آن خود کرد. در کلاس ب ۱ آقایان، علیرضا قورچی‌بیگی در بخش استاندارد به مدال برنز دست یافت. در همین کلاس، علیرضا قورچی‌بیگی، محمدرضا علیزاده و هادی مشیرآبادی در بخش تیمی استاندارد

متر و سامان پاک‌باز در پرتاب وزنه برای کاروان فرزندان ایران به ارمغان آوردند. مدال‌های نقره این رشته را مهدی اولاد در پرتاب وزنه، امیر خسروانی در ماده پرش طول، سجاد نیک‌پرست در پرتاب نیزه، مهدی مرادی در پرش طول و وحید علی‌نجیمی در دوی صد و چهارصد متر از آن خود کردند. حسن باجولوند در ماده پرتاب دیسک، علی شمشری در پرتاب وزنه و امید ظریف در دوی چهارصد متر به مدال برنز رسیدند.

تکرار نتایج انفرادی جودوی نابینایان در

هانگژو



نابینایان جودوکار علی‌رغم داشتن یک ورزشکار کمتر به نسبت دوره قبل، توانستند مانند پارا آسیایی جاکارتا ۲ مدال طلا، ۱ نقره و ۳ مدال برنز را از آن خود کنند. وحید نوری و میثم بنی‌طبا مدال طلا، موسی غلامی مدال نقره و علی نوایی، مهدی برچلو و سعید کوهکن به مدال برنز دست یافتند.

جودوکاران نابینا در ۲۰۱۴ اینچئون نیز در بخش انفرادی ۳ مدال نقره و ۳ برنز به دست آورده بودند. در این دوره از مسابقات رقابت‌های بخش تیمی برگزار نشد و دست ورزشکاران نابینا از مدال تیمی در این رشته کوتاه ماند؛ چراکه در بخش تیمی جودوی نابینایان، جودوکاران کشورمان ۱ طلا در اینچئون و ۱ نقره در جاکارتا به دست آورده بودند.

حواشی این بار هم دامن جودوی نابینایان را گرفت، درحالی که از ابتدا جودوی نابینایان با هشت ورزشکار

نسل‌مانا

رده‌بندی به مدال برنز بسنده کرد. تیم ملی گلبال مردان ایران با ترکیب خلیل شهریاری‌نسب، میلاد سوری، مهدی عباسی، مصطفی شهبازی، حسن جعفری و نعمت سرافراز راهی هانگژو شده بود. هرچند، تیم ملی گلبال آقایان با پیروزی ۹ بر ۳ مقابل کره جنوبی در فینال مسابقات آسیا-پاسیفیک، ضمن کسب سهمیه پارالمپیک ۲۰۲۴ پاریس، توانست گوشه‌ای از ناکامی‌های سال‌های اخیر را به فراموشی بسپارد.

تیم ملی گلبال زنان که در مسابقات ۲۰۱۴ اینچئون مدال نقره و ۲۰۱۸ جاکارتا به مدال برنز دست یافته بود، در ۲۰۲۲ هانگژو با شکست در مقابل تمامی حریفان خود و بدون امتیاز، در میان پنج تیم شرکت‌کننده، پنجم شد. زنان گل‌بالیست در این مسابقات با ترکیب فاطمه قایدی، مریم حسام‌آبادی، ریزان دژآهنگ، زهرا عیدیان، رعنا نیازی و معصومه ملایی راهی چین شده بودند.



فوتبال نابینایان بعد از مدّت‌ها ناکامی با مدال بازگشت

تیم ملی فوتبال پنج‌نفره کشورمان که بعد از پارالمپیک ۲۰۱۶ ریو در مسابقات چندجانبه بین‌المللی توفیق چندانی به دست نیاورده بود، سرانجام در مسابقات هانگژو موفق به کسب مدال نقره شد. فوتبال پنج‌نفره کشورمان در ۲۰۱۴ اینچئون مدال طلا را از آن خود کرده بود و در ۲۰۱۸ جاکارتا این رشته در مسابقات حاضر نبود.

مدال برنز و در رقابت‌های تیمی سرعتی مدال نقره را از آن خود کردند. در مسابقات کلاس ب ۲- ۳ آقایان، امیر ربی در بخش استاندارد به مدال نقره رسید و در مسابقات تیمی استاندارد نیز امیر ربی، حمزه مصلح و مجید باقری مدال نقره را نصیب کاروان کشورمان کردند. نکته جالب‌توجه آنکه، تمامی اعضای تیم شطرنج نابینایان موفق به کسب مدال شدند و دست پر به ایران بازگشتند. در مجموع، از ۱۳ مدال به دست آمده در رشته شطرنج نابینایان و کم‌بینایان در هانگژو، ۸ مدال را زنان و ۵ مدال را مردان به دست آوردند، درحالی‌که از مجموع ۱۴ مدال شطرنج در جاکارتا، زنان ۱۱ مدال و ۳ مدال را مردان کسب کرده بودند. در مسابقات شطرنج هانگژو، پانزده کشور به مصاف هم رفتند و در جدول توزیع مدال‌ها در این رشته، اندونزی عنوان نخست، ایران دوم، فیلیپین و هند نیز عناوین سوم و چهارم را از آن خود کردند. به گفته رئیس انجمن شطرنج فدراسیون نابینایان، سطح این دوره از مسابقات بسیار بالاتر از جاکارتا بود و امیر ربی به‌عنوان اولین شطرنج‌باز ایرانی که هجده‌سال سن دارد، برای اولین بار از ریتینگ ۲۰۰۰ در رده‌بندی جهانی فیده عبور کرد.



تداوم سیر نزولی گلبال مردان و زنان ایران

تیم ملی گلبال مردان که در مسابقات پاراآسیایی ۲۰۱۴ اینچئون و ۲۰۱۸ جاکارتا بر سکوی نخست ایستاده بود، در ۲۰۲۲ هانگژو با پیروزی مقابل کره جنوبی در مسابقه

شریفیان اعتقاد دارد اگر حداقل دو شناگر دیگر راهی این مسابقات شده بودند، شنای نایبانیان می‌توانست ۲ مدال دیگر را از آب‌های هانگژو صید کند. در مسابقات شنا چهارده رکورد آسیایی شکسته شده است که نشان می‌دهد سطح تیم‌های آسیایی به رقبای جهانی خود تا چه اندازه نزدیک شده است. سرمربی تیم ملی شنا معتقد است برای پارالمپیک ۲۰۲۴ پاریس باید نسبت به شنا نگاه حمایتی وجود داشته باشد تا ورزشکاران انگیزه خود را از دست ندهند و بتوان زمینه رشد و توسعه این رشته را که جزء رشته‌های مادر محسوب می‌شود فراهم کرد؛ جایی که در هانگژو چینی‌ها ۵۱ طلا و ژاپنی‌ها ۱۵ طلای خود را از استخر بیرون آورده‌اند.



چهارمین دوره بازی‌های پاراآسیایی هم با نتایج قابل قبول برای کاروان ایران و قابل انتظار برای نایبانیان به پایان رسید و تجربه‌های به دست آمده از این مسابقات نشان داد، فدراسیون نایبانیان باید خانه‌تکانی اساسی در رشته گل‌بال انجام دهد، استعدادیابی در زمینه شنا و دوومیدانی را گسترش دهد و به ورزشکاران کلاس ب ۱ در رشته جودو و شطرنج بیشتر بال و پر دهد. تیم ملی فوتبال نیز نیازمند پوست‌اندازی در رده مدیریتی و بازیکنان است؛ هرچند حضور برخی جوانان در هانگژو یکی از عوامل موفقیت این تیم محسوب می‌شود. کمیته پارالمپیک نیز باید در رشته‌های رکوردی، از سیاست سخت‌گیرانه کیفی‌گرایی صرف‌نظر کند تا انگیزه در میان ورزشکاران حرفه‌ای نابود نشود. گفتنی‌ها در این بین بسیار است که فرصت دیگری را می‌طلبد.

تیم ملی فوتبال نایبانیان ایران در دیدار نهایی ضمن تساوی بدون گل مقابل چین، در ضربات پنالتی مغلوب میزبان شد تا سکوی قهرمانی را از دست بدهد. تیم ملی فوتبال نایبانیان با ترکیب کامبیز محکم، صادق رحیمی، محمدمامین رحیمزاده، احمدرضا شاه‌حسینی، مرتضی کریمی، علیرضا بخت، علیرضا ایزدی، حسین رجب‌پور، مرتضی رضانی و سعید موسوی راهی هانگژو شده بودند.



ارتش تک‌نفره شنا سه مدال به دست آورد

اعضای تیم ملی شنای نایبانیان که در ادوار قبلی مسابقات پاراآسیایی به علت سیاست مخرب کیفی‌گرایی همواره آب می‌روند، در هانگژو تنها با حضور محمدحسین کریمی به آب زد تا این شناگر مشهودی در کلاس ب ۲، موفق به کسب ۱ مدال نقره و ۲ برنز شود. نقره کریمی جهان‌آبادی در صد متر کرال پشت و مدال‌های برنزش در صد متر پروانه و صد متر آزاد به دست آمد و توانست تمامی رکوردهای ملی را جابه‌جا کند. تیم ملی شنای نایبانیان در مسابقات ۲۰۱۴ اینچئون، ۷ مدال (۱ طلا، ۲ نقره، ۴ برنز) به دست آورد و در ۲۰۱۸ جاکارتا تنها ۱ برنز نصیب شنای ایران شد. به گفته سرمربی و رئیس انجمن شنای فدراسیون نایبانیان، تیم ملی شنای نایبانیان در ۲۰۱۰ گوانگژو با پنج شناگر، در ۲۰۱۴ اینچئون با چهار شناگر، در ۲۰۱۸ جاکارتا با دو شناگر و در ۲۰۲۲ هانگژو با یک شناگر به بازی‌های پاراآسیایی اعزام شد. این در حالی است که

شدند. در حوزه ناشران بریل نیز دو ناشر عناوین برگزیده را از آن خود کردند. معدل نمرات آثار شایسته تقدیر بین هفتاد تا هشتاد و افراد برگزیده، بین هشتاد تا صد است. با توجه به اینکه برخی از کتاب‌ها، چندین مؤلف و مترجم دارند، در مجموع سی و پنج نویسنده در جمع افراد برگزیده و شایسته تقدیر قرار گرفته‌اند که چهارده نفر از آنها از میان افراد دارای معلولیت و بیست و یک نفر از میان افرادی هستند که در حوزه معلولان کتاب نوشته‌اند.

به پیشنهاد مدیران سازمان بهزیستی و به‌منظور حضور پررنگ‌تر مسئولان در مراسم اختتامیه، این رویداد به‌جای ۷ آذرماه با یک هفته تأخیر، در ۱۴ آذرماه و به میزبانی سازمان اسناد و کتابخانه ملی برگزار خواهد شد. با تصمیم اعضای شورای سیاست‌گذاری جشنواره، جوایز افراد برگزیده و شایسته تقدیر به نسبت دوره نخست بیش از ۱۰۰ درصد افزایش یافته است که تحقق آن در گروهی حمایت‌نهادهای ذی‌ربط و حامیان مالی جشنواره، به‌ویژه سازمان بهزیستی است که قرار است بخش عمده‌ای از جوایز توسط این سازمان پرداخت شود، البته با تصمیم اعضای شورا جوایز در نظر گرفته شده برای مترجمان، کمی کمتر از مؤلفان خواهد بود. همچنین مصوب شد مانند دوره نخست جشنواره، لوح تقدیر و تندیس جشنواره به تمامی افراد برگزیده و شایسته تقدیر اعطا شود، اما جوایز نقدی برای آثاری که چندین مؤلف یا مترجم دارند، به نسبت تعداد آنها تقسیم خواهد شد. چون به علت تورم موجود در کشور، شاید جوایز ریالی متناسب با زحمت و ارزش کار نفرات برگزیده نباشد، تسهیلات و جوایز غیر نقدی دیگری نیز برای این افراد در نظر گرفته شده است. با مصوبه اعضای شورا، مقرر شد طی هماهنگی‌هایی که از سوی انجمن نابینایان ایران و جامعه معلولان ایران صورت خواهد گرفت، کارت نویسندگی اهل‌قلم برای افراد برگزیده و شایسته تقدیر در نظر گرفته شود که می‌تواند تسهیلات و مزایای خوبی را شامل حال این افراد کند.

گزارش عملکرد انجمن نابینایان ایران (آبان ۱۴۰۲)

آنچه در ادامه می‌خوانید، گزارش مختصری از فعالیت‌هایی است که انجمن نابینایان ایران در طول ماه آبان انجام داده است.



با توجه به نزدیک شدن به موعد برگزاری جشنواره کاما، بخش عمده فعالیت‌های انجمن معطوف این رویداد بزرگ ملی بوده است. هفتمین جلسه شورای سیاست‌گذاری جشنواره ملی کاما (کتاب افراد معلول ایران) روز یکشنبه، ۱۴ آبان، به میزبانی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و در کتابخانه مرکزی پارک شهر برگزار شد.

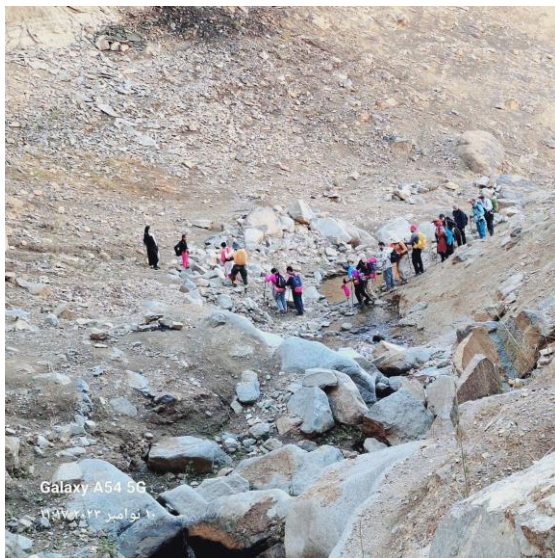
در این نشست، نمایندگان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان بهزیستی، کتابخانه ملی، خانه کتاب و ادبیات ایران، سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران، دفتر فرهنگ معلولین، نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، انجمن نابینایان ایران و جامعه معلولان ایران به‌عنوان مسئولان برگزاری جشنواره کاما حضور داشتند. نماینده کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و اداره کل سلامت معاونت فرهنگی اجتماعی شهرداری تهران نیز از غایبان این نشست بودند.

گفتنی است از مجموع دویست و دو اثر ارسالی به دبیرخانه جشنواره، چهل و دو اثر توانست به مرحله دوم راه یابد که از این تعداد، هشت اثر به‌عنوان «آثار برگزیده» و هجده اثر به‌عنوان «شایسته تقدیر» انتخاب

نسل‌مانا

شرکت در جلسه‌های مناسب‌سازی در استانداری تهران از دیگر فعالیت‌های انجمن در ماه آبان بود. در این جلسه‌ها مقرر شد منطقه وحیدیه شهریار، در استان تهران، به‌عنوان شهر بدون مانع، مناسب‌سازی شود تا الگویی برای سایر شهرها و بخش‌ها در این استان باشد. همچنین بنا شد بودجه مشخصی هم با عنوان «بودجه مناسب‌سازی» در اختیار سازمان‌ها قرار گیرد تا این سازمان‌ها مجبور نباشند از محل بودجه‌های عمرانی برای مناسب‌سازی هزینه کنند.

همانند ماه‌های گذشته، گلگشت‌های گروه گردشگری انجمن هم ادامه داشت و اعضای این گروه، در ۱۹ آبان به آبشار خور، در روستای خور جاده چالوس، عزیمت کردند و مسافت هشت کیلومتری را پیمودند. همچنین به همت خیران و حامیان انجمن، توزیع سبد کالا به تعداد ۳۵۰ سبد و ارزش حدودی پانصد میلیون تومان در میان اعضای کم‌برخوردار انجام پذیرفت..



همچنین احتمال دارد طی مکاتباتی که با بنیاد نخبگان صورت می‌گیرد، افراد برگزیده و شایسته تقدیر به‌عنوان برگزیدگان یک جشنواره ملی، بتوانند عضو این بنیاد شوند که اتفاق بسیار ارزشمندی خواهد بود؛ به‌علاوه به همت نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور قرار است کتاب‌های افراد برگزیده خریداری شود تا در مراکز کتابخانه‌ای نهاد توزیع شود، البته میزان کم و کیف و شمار کتاب‌های خریداری شده مشخص نیست، اما این موضوع می‌تواند تا حدی به نویسندگان و ناشران کمک کند. برپایی نمایشگاه دائمی از آثار برگزیدگان جشنواره در محل کتابخانه ملی از دیگر مزایای پذیرفته شدن آثار در جشنواره کاما است که می‌تواند منجر به دریافت توجه بیشتر اهالی فرهنگ به این آثار شود.

انجمن نابینایان ایران در نخستین روزهای ماه آبان، در جلسه‌ای با مدیران سازمان بهزیستی کشور، در برنامه‌ریزی‌های این سازمان برای برگزاری برنامه‌های مربوط به روز جهانی معلولین مشارکت کرد. این انجمن در این جلسه پیشنهاد کرد با توجه به برگزاری برنامه‌های این روز جهانی در قالب یک هفته، بهتر آن است که برای هر کدام از روزهای هفته که از شنبه ۱۱ آذر آغاز خواهد شد و تا جمعه، ۱۷ آذر ادامه خواهد یافت، نام مشخصی در نظر گرفته شود و در برنامه‌های آن روز، به آن شعار یا نام توجه ویژه شود.

همچنین گفتنی است غیر از برنامه‌هایی که بهزیستی برگزارکننده آن خواهد بود، انجمن نیز قرار است در طول این هفته از سامانه مناسب‌سازی موزه‌ها برای نابینایان در کاخ موزه گلستان رونمایی کند. تغییراتی هم در وبگاه انجمن انجام شده است که در هفته معلولین از این تغییرات رونمایی خواهد شد. رونمایی از *دایره‌المعارف نابینایان ایران* در سه جلد و ۲۱۰۰ صفحه نیز از دیگر رخدادهایی است که در طول هفته معلولین انجام خواهد پذیرفت. گفتگوی مفصلی با دست‌اندرکاران تهیه این *دایره‌المعارف* نیز در شماره ۲۴ ماهنامه نسل مانا در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

نسل‌مانا

آسیب بینایی بتوانند اشکال گوناگون را در قالب سه‌بعدی چاپ کنند و در اختیار دانش‌آموزان نابینا قرار دهند. از سوی دیگر، برخی کمپانی‌های خارجی هم دست‌به‌کار شده‌اند تا فناوری‌های قدیمی چاپ حرارتی نظیر ترموفرم را به‌روز کنند تا بتوانند اشکال برجسته را روی کاغذهای مخصوص، به نابینایان عرضه کنند. در این میان، خانه چاپ آمریکا هم اقدام به راه‌اندازی یک کتابخانه^۱ برخط و رایگان کرده تا افراد از سراسر دنیا، نمونه فایل‌های مربوط به اشکال برجسته را بارگیری و چاپ کنند. این قبیل فعالیت‌ها فقط به چاپ تصاویر برجسته محدود نمی‌شود و متخصصان به دنبال راه‌های دیگری برای دسترسی نابینایان به شکل برجسته تصاویر هستند.

«مونارک»^۱ نام دستگاه نمایشگر بریل جدیدی است که به‌زودی به بازار عرضه خواهد شد و احتمالاً می‌تواند آینده دسترسی به تصاویر برجسته را متحول کند. یکی از نابینایانی که به نمونه آزمایشی این دستگاه دسترسی داشته، گزارشی از قابلیت‌ها و ویژگی‌های آن را برای پادکست «بلایندبیلیتیز»^۲ ضبط کرده که ما در ادامه بخش‌هایی از آن را باهم می‌خوانیم.

مونارک نمایشگر بریل چندخطی است. این دستگاه در ابعاد یک لپ‌تاپ گیمینگ طراحی شده و چیزی حدود دو کیلوگرم وزن دارد. در طراحی این نمایشگر بریل از ده خط ۳۲ سلولی استفاده شده است؛ خطوطی که در حالت عادی، نوشته‌های بریل را به نمایش می‌گذارند، اما وقتی قرار باشد تصاویر را نشان دهند، از قابلیت زوم برخوردارند و می‌توانند به هم نزدیک یا از هم دور شوند تا جزئیات تصاویر را بهتر نمایش دهند.

مونارک برای نمایش بریل، از سلول‌های تولیدشده در کمپانی «دات»^۳، مستقر در کشور کره جنوبی استفاده می‌کند. نام این کمپانی را پیش‌تر در محصولات نظیر

پیشخوان: مروری بر جدیدترین پادکست‌ها و نشریه‌های انگلیسی‌زبان ویژه آسیب‌دیدگان بینایی

امید هاشمی: سردبیر

این شماره را با یک نمایشگر بریل آغاز خواهیم کرد که از قابلیت نمایش تصاویر به‌صورت برجسته هم برخوردار است. نگاهی به آخرین نمونه از عینک هوشمند ویژه نابینایان خواهیم انداخت و در ادامه با یک برنامه ویژه آهنگ‌سازان نابینا آشنا خواهیم شد و سراغی هم از آخرین به‌روزرسانی‌های صفحه‌خوان محبوب و قدیمی جاز خواهیم گرفت.

نمایشگر بریل با قابلیت پشتیبانی از تصاویر برجسته



تلاش‌های گسترده‌ای در طول بیش از یک دهه گذشته معطوف آن شده تا نابینایان بتوانند در دسترسی به اطلاعات، پا را از حدود اطلاعات مکتوب کمی فراتر بگذارند و بتوانند به آنچه سایر کاربران دسترسی دارند دست یابند. بخشی از این تلاش‌ها، به فراهم کردن امکان دسترسی این افراد به تصاویر برجسته بازمی‌گردد.

همه‌گیر شدن استفاده از فناوری چاپ سه‌بعدی، این امکان را به وجود آورده تا مراکز آموزشی ویژه افراد با

^۱ DOT Incorp

^۱ Monarch

^۲ Blindabilities

آخرین به‌روزرسانی‌های یک عینک بسیار هوشمند

با رایگان شدن نرم‌افزار کاربردی «انویژن ای آی»^۲، حالا تقریباً اغلب کاربران نابینای



اندروید این نرم‌افزار را می‌شناسند، اما آنچه بسیاری از کاربران نمی‌دانند این است که این شرکت، علاوه بر اپ اندروید، یک عینک را هم برای کاربران نابینا طراحی کرده است که کار تشخیص نوشته‌ها و تصاویر را برای آنها بسیار آسان می‌کند؛ در واقع این عینک همان عینک گوگل است که برای استفاده نابینایان برنامه‌نویسی شده است. قابلیت‌هایی نظیر خواندن متن، تشخیص چهره، یافتن اشیاء، شناسایی اسکناس و تشخیص رنگ، به کاربران این عینک اجازه می‌دهد در محیط خانه یا بیرون، بتوانند بدون دخالت دست، از کمک‌های انویژن بهره‌مند شوند.

«سم سیوی»^۳، یوتوبر نابینا، جدیدترین نسخه عینک انویژن را در کانالش به نمایش گذاشته است. در این ویدئو از قابلیت جالبی به نام «اسک انویژن»^۴ سخن رفته؛ قابلیتی که از تلفیق انویژن و هوش مصنوعی پدید آمده است. روش کار این امکان تازه از این قرار است که در زمانی که عینک از طریق وای‌فای به اینترنت متصل باشد، کاربر می‌تواند از یک نوشته عکس بگیرد و بعد از تبدیل عکس به متن، می‌تواند با نگاه داشتن یک دکمه، سؤال‌هایی مربوط به متن را از چت جی‌پی‌تی پرسد. موقعیتی را تصور کنید که عینک انویژن به چشم زده‌اید و از صورت‌غذای رستوران عکس گرفته‌اید و حالا می‌خواهید بدانید در میان غذاهایی که نامشان در صورت‌غذا آمده، کدامشان غذای مناسب گیاه‌خواران است. شما می‌توانید به‌سادگی همین سؤال را از چت

داتپد و ساعت دات واچ شنیده بودیم. سیستم‌عامل اندروید برای دستگاه موناک در نظر گرفته شده و همین ویژگی هم به کاربران کمک می‌کند بتوانند از صفحه‌خوان تاک‌بک در محیط برنامه استفاده کنند. کاربر به‌سادگی می‌تواند به‌وسیله نرم‌افزاری که در سیستم‌عامل اندروید گنجانده شده، به کتابخانه تصاویر برجسته دسترسی پیدا کند و عکس‌های مورد نیاز خود را به نمایش بگذارد. کلیدهای پرکینزمانند، به کاربران امکان نوشتن می‌دهند و سایر دکمه‌ها هم بقیه نیازهای او را برآورده می‌کنند. سه دکمه «صفحه اصلی»، «بازگشت» و «موارد اخیر» در بالای دستگاه قرار گرفته و همچنین دکمه‌هایی برای کم و زیاد کردن حجم صدا، روشن و خاموش کردن دستگاه و مواردی از این دست هم لحاظ شده است. یک دکمه هم برای کم و زیاد کردن زوم یا وضوح تصویر در نظر گرفته شده است.

یکی از قابلیت‌های بسیار جالب در نمایشگر بریل موناک این است که اگر ابعاد عکس بزرگ‌تر از اندازه صفحه بریل باشد، کاربر می‌تواند با کلیدهایی که به همین منظور طراحی شده، عکس را بخش به بخش ببیند؛ مثلاً ابتدا بخش بالایی و سپس پایین آن را لمس کند. به‌سادگی می‌توان به فشردن چند کلید، به بخش‌های گوناگون عکس دست پیدا کرد.

برای موناک هنوز قیمت مشخصی اعلام نشده است، اما با توجه به تعداد بالای سلول‌های بریل، احتمالاً مدارس و مراکز آموزشی، عمده مشتریان آن را تشکیل خواهند داد. در تولید این دستگاه، کمپانی «هیومن‌ور»^۱، خانه چاپ بریل آمریکا و فدراسیون ملی نابینایان آمریکا دخیل بوده‌اند. قابلیت‌های موناک به‌مواردی که در بالا ذکر شد، خلاصه نمی‌شود. علاقه‌مندان به نمایشگرهای بریل می‌توانند برای شنیدن جزئیات بیشتر، با نسخه صوتی پیشخوان همراه شوند.

^۲ Sam Seavey

^۴ Ask Envision

^۱ Humanware

^۲ EnvisionAI

ضبط شده است. آهنگ‌سازی که با این برنامه کار می‌کند، از تکه‌هایی استفاده می‌کند که بهترین نوازندگان درامز، گیتار، بیس، پیانو و سازهای بادی و زهی آنها را نواخته‌اند. این برنامه همچنین قابلیت اتصال به سایر برنامه‌های آهنگ‌سازی را دارد و آهنگ‌ساز می‌تواند در صورت نیاز، بخش‌هایی از کار نظیر ضبط صدای خواننده و سایر سازهایی را که در «بند این اِ باکس» وجود ندارد، در سایر برنامه‌ها انجام دهد.

نکته جالب توجه دیگری که در این دو شماره از پادکست مذکور مطرح شد، این است که این برنامه برای صفحه‌خوان‌ها قابل دسترس نبوده، اما پیت تورپی توانسته است به کمک دانش ساخت اسکرپیت جاز، اسکرپیت‌هایی برای برنامه بنویسد تا آن را در دسترس نابینایان قرار دهد. او این اسکرپیت‌ها را به‌رایگان در وبگاهش قرار داده است. قابلیت‌های این برنامه بسیار فراوان است و ذکر همه آنها در این مجال کوتاه نمی‌گنجد.

اگر شنونده نسخه صوتی پیشخوان باشید، می‌توانید ضمن شنیدن توضیحات کاملی در خصوص برنامه، نمونه‌ای از چگونگی عملکرد برنامه و نوع پشتیبانی صفحه‌خوان جاز در این برنامه را هم بشنوید؛ به‌علاوه به بهانه دست به کیبورد شدن پیت تورپی و اسکرپیت‌نویسی او، اطلاعاتی درباره شیوه عملکرد اسکرپیت‌های جاز و چگونگی ساخت این اسکرپیت‌ها را هم در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهیم داد. همچنین با توجه به اینکه اخیراً نسخه کرک شده از صفحه‌خوان جاز ۲۰۲۴ در اختیار کاربران نابینا قرار گرفته، به تفصیل به تغییرات این نسخه و امکانات جدیدی که به آن افزوده شده است خواهیم پرداخت. شما می‌توانید نسخه صوتی پیشخوان را ذیل این نوشته در وبگاه نسل مانا یا شبکه‌های اجتماعی ما دریافت کنید.

جی‌پی‌تی برسید. این فقط یکی از مثال‌هایی بود که کارایی قابلیت اسک انویژن را نشان می‌دهد. درباره تمام قابلیت‌هایی که در عینک انویژن وجود دارد، در نسخه صوتی پیشخوان، مفصل صحبت شده است. همچنین در نسخه صوتی در خصوص قیمت طرح‌های سه‌گانه عینک انویژن هم توضیحاتی ارائه شده است.

مجرب‌ترین نوازندگان در خدمت آهنگ‌سازان نابینا

ساختن و نواختن موسیقی یکی از سرگرمی‌هایی است که «پیت تورپی»^۱، گرداننده پادکست «آیز آن ساکسیس»^۲، در زندگی خود دارد. او یک گروه سه‌نوازی «تریو» دارد و گاهی برای این گروه قطعاتی می‌نویسد و باهم اجرا می‌کنند. او حالا در دو شماره اخیر پادکستی که تولید کرده، به نرم‌افزاری پرداخته است که از آن برای ساخت موسیقی استفاده می‌کند؛ نرم‌افزاری که دقیقاً برای کسانی طراحی شده است که نمی‌خواهند در نوشتن قطعات موسیقی مو را از ماست بیرون بکشند و هدفشان این است که یک قطعه دم دستی و راحت بسازند و از آن استفاده کنند.

«بند این اِ باکس» نام نرم‌افزاری است که پیت در دو شماره به معرفی آن پرداخته است. آهنگ‌سازان می‌توانند آکوردهای موردنظرشان را در برنامه وارد کنند و سپس برای برنامه مشخص کنند که می‌خواهند آهنگشان در چه ژانر یا سبکی نواخته شود. صدها سبک و زیرسبک موسیقی در این برنامه گنجانده شده است و آهنگ‌سازان می‌توانند به دلخواه یکی را انتخاب کنند. آنها حتی این امکان را دارند تا انواع سبک‌ها را بشنوند تا نمونه دلخواهشان را بیابند.

آنچه این نرم‌افزار را جالب‌تر کرده این است که صداهایی که آهنگ‌های مدنظر آهنگ‌سازان با آنها نواخته می‌شود، به دست بهترین نوازندگان نواخته و در برنامه

^۱ Band in a box

^۱ Pete Torpey

^۲ Eyes On Success

زندگی میدان رقابت نیست: قهرمان خودت باش!

زهرا همت: روان‌شناس و آموزگار آموزش و پرورش استثنایی شهر تهران

کم‌کم به دوازدهم آذرماه، روز جهانی معلولین نزدیک می‌شویم و بازهم مثل همیشه، برنامه‌های گوناگون تلویزیونی و رادیویی یادی از معلولان می‌کنند و در دعوت از این افراد به برنامه‌هایشان، گوی سبقت را از هم می‌ربایند؛ شبکه‌ها پر می‌شود از افرادی که هریک به‌نوعی قله‌های موفقیت را فتح کرده‌اند و مثل خورشید تابان در این برنامه‌ها می‌درخشند؛ یکی مخترع است و آن دیگری حافظ تمام قرآن؛ یکی برنامه‌نویس موفق است و دیگری در آشپزی، مهارت بی‌نظیری دارد. خلاصه هریک از این افراد به دلیل داشتن ویژگی یا موفقیت خاصی به این برنامه‌ها دعوت می‌شوند و به یاد نداریم که فردی معمولی و فاقد درخشش خاصی در این برنامه‌ها دیده شده باشد. سیاست زیربنایی نام‌گذاری روزهایی مانند ۲۳ مهر و ۱۲ آذر، اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی جامعه از توانایی‌ها، نیازها و محدودیت‌های اقشار خاص است، اما متأسفانه برنامه‌ها معمولاً تنها به بخش توانمندی‌های معلولان می‌پردازند و برای جذاب‌تر شدن برنامه‌ها از افراد بسیار موفق دعوت می‌کنند و در بسیاری موارد، از بیان نیازها و محدودیت‌های این قشر غافل می‌شوند. این برنامه‌ها برای بیننده‌ها جذاب هستند و آنها از دیدن این‌همه توانایی یک فرد معلول شگفت‌زده می‌شوند. برنامه‌سازان نیز تصور می‌کنند تصویر بسیار خوبی از معلولان در ذهن مخاطبان ایجاد کرده‌اند و با نمایش این افراد توانمند، سطح پذیرش این افراد در جامعه و شأن اجتماعی آنان را ارتقا داده‌اند؛ غافل از اینکه هدف از بزرگداشت چنین روزهایی، اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی صحیح و مبتنی بر واقعیت است، نه صرفاً اغراق و بزرگ‌نمایی توانمندی‌های افراد دارای معلولیت. از سویی در بین مخاطبان برنامه‌های

تلویزیونی، رادیویی یا حتی شبکه‌های اجتماعی، افراد دارای معلولیت هم حضور دارند و این پرداختن بیش از اندازه به افراد بسیار موفق، ممکن است آنان را دچار اشتباه کند و به آنها آسیب برساند. شاید شما مخاطبان گرامی نیز این تجربه را داشته باشید که وقتی فرد بسیار موفق و برجسته‌ای را در برنامه‌ای می‌بینید، با خودتان فکر کنید که چرا شما مثل او نیستید؛ درست مثل همان زمانی که روزمرگی‌های برخی بلاگرها را در شبکه‌های اجتماعی می‌بینیم؛ صفحه‌هایی که از صبح تا آخر شب، تصاویری از زندگی شیک و «لاکچری» و سفرها و رستوران‌گردی‌هایشان منتشر می‌کنند و بی‌شمار افرادی هستند که با دیدن این تصاویر وسوسه‌برانگیز، دچار غم و حسرت می‌شوند و بسیاری حتی به سمت افسردگی می‌روند؛ بدون اینکه حتی یک لحظه به احتمال بزرگ‌نمایی‌های موجود در این صفحه‌ها فکر کنند. اگر کمی واقع‌بین باشیم در کنار این تصاویر زیبا، زندگی انسان‌هایی را که هر روز در کوچه و بازار می‌بینیم، در ذهن تصور می‌کنیم و به‌سادگی متوجه می‌شویم که آنچه جلوی دوربین‌ها می‌بینیم، تمام واقعیت نیست. دوربین‌ها به دنبال شکار سوژه‌های خاص هستند و تلاش می‌کنند تصاویر بسیار مثبتی از افراد معلول در ذهن مخاطبان ایجاد کنند و شاید بتوان گفت که درواقع به دنبال به وجد آوردن مخاطبان هستند و قطعاً سوژه‌های فاقد درخشش خاص نمی‌توانند مخاطبان را زمان بیشتری در یک صفحه، در شبکه‌ای اجتماعی یا روی یک موج رادیویی یا پای یک شبکه تلویزیونی نگه دارند؛ بنابراین زندگی‌های معمولی و موفقیت‌های اندک نمی‌تواند جایی در برنامه‌ها داشته باشد و حذف این صحنه‌ها بسیار معمول است و این نکته‌ای است که افراد دارای معلولیت و خانواده‌های آنان باید از آن آگاه باشند. به یاد داشته باشید که افرادی که به برنامه‌های گوناگون دعوت می‌شوند، یک نفر هستند در میان هزاران یا شاید میلیون‌ها نفری که امکان حضور در چنین برنامه‌هایی را نداشته‌اند!

در انتظار غروبی خاکستری

فاطمه جوادیان: کارشناس نابینایان
آموزش و پرورش استثنایی گیلان



راه زندگی همیشه هموار و یکنواخت نیست. گاهی مسائلی پیش می‌آید که ما را از مسیر همیشگی خارج می‌کند. آنجاست که باید در سایهٔ تدبیر، مشورت و مطالعه تصمیم بگیریم.

در این شماره به سراغ دوستی می‌رویم که یکی از دوره‌های سخت زندگی را پشت سر می‌گذارد؛ چند وقتی است که مادرش بیمار است و او هم مانند سایر فرزندان در تلاش است تا در مراقبت از مادر سهیم باشد. به‌راستی مگر از یک نابینا هم در چنین شرایطی کاری برمی‌آید؟ پریناز دختری است که در یکی از شهرهای بزرگ به‌تنهایی زندگی می‌کند. او حدوداً سی سال دارد و در مرکز مشاوره به فعالیت مشغول است. پریناز از سال‌ها پیش که برای تحصیل وارد مدرسه شبانه‌روزی شد تا بعد از پایان دوره‌های دانشگاه، دور از خانواده به سر برده است، اما این دوری خللی در تعهد او نسبت به آنها ایجاد نکرده است.

خواهر و برادرهای پریناز همگی متأهل هستند و در شهرهای دیگر زندگی می‌کنند. او وقتی مادرش را برای انجام جراحی به بیمارستان می‌برند، پیشنهاد می‌کند که بهتر است مادر دورهٔ نقاهت را در خانهٔ او بگذرانند، البته قرار می‌گذارند خواهرها هم در این مسیر به او کمک کنند.

علاوه بر این، همهٔ ما می‌دانیم که انسان‌ها باهم متفاوت‌اند و هرکدام در زمینهٔ خاصی برجسته هستند و ممکن است در زمینه‌ای دیگر دچار ضعف باشند، اما همان‌گونه که این حقیقت را به‌خوبی می‌دانیم؛ به‌سادگی هم فراموشش می‌کنیم و با دیدن برجستگی‌های دیگران به‌سرعت به یاد این می‌افتیم که چرا ما در آن زمینه موفق نیستیم؛ برای مثال با دیدن نوازندگی خوب فردی با آسیب بینایی، به این فکر می‌کنیم که چرا ما نمی‌توانیم به زیبایی او ساز بزنیم. خوب است همیشه به خود یادآوری کنیم که هر انسانی نقاط قوت و وضعی دارد یا اگر واقعاً فکر می‌کنیم در زمینهٔ خاصی استعداد و توانایی داریم، دست‌کم برای رسیدن به جایگاهی که حسرتش را می‌خوریم بیشتر تلاش کنیم. نکتهٔ دیگری که خوب است بیشتر به آن بیندیشیم این است که معلولان، با توجه به محدودیت‌هایشان باید برای رسیدن به اهداف یا حتی رسیدن به توانایی انجام امور روزمره تلاش بسیاری کنند. در اینجا قصد نداریم به نقد شعارهای پوچ و زرد و لایک‌خور «معلولیت، محدودیت نیست»، «ما می‌توانیم» و... بپردازیم، اما باید بگوییم که اتفاقاً معلولیت سبب چالش‌ها و محدودیت‌های بسیاری می‌شود و معلولان باید مهارت‌ها یا حتی خلق راه‌کارها و ترفندهایی برای فائق آمدن بر این چالش‌ها و محدودیت‌ها را بیاموزند. آنچه در اینجا اهمیت ویژه‌ای دارد، تلاش برای یادگیری و به‌کارگیری حداکثری مهارت‌هاست. خوب است هرکدام از ما تلاش کنیم بهترین خودمان باشیم و برای ادامهٔ زندگی برنامه‌ریزی کنیم و با در نظر گرفتن اهدافمان، برای کسب مهارت‌های مورد نیاز جهت دستیابی به آن اهداف تلاش کنیم. زندگی مسابقه نیست، قرار نیست حسرت دیگرانی را که مقابل دوربین‌ها قرار می‌گیرند و تحسین می‌شوند بخوریم، بلکه نیکوست آرزوهایمان را در قالب اهداف کوچکی در زندگی برای خود تعریف کنیم و برای رسیدن به هریک از این اهداف کوچک تا جایی که توانایی‌ها و محدودیت‌هایمان اجازه می‌دهد تلاش کنیم و از لحظه‌به‌لحظهٔ زندگی لذت ببریم.

می‌پرداختم. شبیخون زده بودم به پس‌اندازهایم. گاهی وقت‌ها فقط یک اولویت در زندگی داری.

از او می‌خواهم بگویند این شرایط چه تأثیری بر زندگی اجتماعی و موقعیت شغلی او داشته است.

پریناز می‌گوید: مادرم بعد از جراحی دچار نوعی بی‌قراری شده بود که در هر ساعتی از شبانه‌روز نمود پیدا می‌کرد. باید کسی همدلانه او را سرگرم می‌کرد. کنارش می‌نشستم و به حرف‌هایش گوش می‌دادم. هر وقت می‌خواست او را ماساژ می‌دادم. باهم به کسانی که دوستشان داشت، تلفن می‌کردیم یا برایشان پیام می‌گذاشتیم. گاهی برایش یک جورچین ناتمام می‌آوردم تا با گذاشتن قطعه آخر لذت تمام شدن جورچین را تجربه کند؛ از این‌رو به وقت بیشتری احتیاج داشتم؛ برای همین از محل کارم بیشتر مرخصی می‌گرفتم. نگران بودم بی‌قراری مادرم در نیمه‌شب‌ها باعث ناراحتی همسایه‌ها و صاحب‌خانه بشود، اما آنها، صبورانه، شرایط را پذیرفته بودند.

از او می‌پرسم: شرایط چطور ادامه پیدا کرد؟

می‌گوید: در ایام نوروز اوضاع بهتر شده بود. اعضای خانواده را به شهرهایشان فرستادم تا در کنار خانواده خود بمانند. اعلام کردم که به‌تنهایی از مادرم مراقبت می‌کنم. از مراقبت‌های اولیه بهداشتی گرفته تا تزریق انسولین و کنترل فشار و قند خون به‌وسیله دستگاه‌های گویا که در خانه داشتم. هر روز صبح با بی‌مای‌آیز تماس می‌گرفتم تا یکی از داوطلبان نام داروها را بخواند. هر یک را در ظرف مخصوص خود، یعنی ظرف داروهای صبح، ظهر و شب، می‌گذاشتم. از یکی از مراکز بهزیستی، برای مدتی کوتاه، ویلچر و واکر امانت گرفتم. روزی به کمک یکی از دوستانم مادرم را به گردش بردیم. واکر را فیزیوتراپیست توصیه کرده بود. قبل از اینکه او را به حمام ببرم، چون کسی در خانه نبود، لباس‌هایش را به‌ترتیب پشت در حمام می‌گذاشتم تا بعد از حمام زیاد معطل نشود. کف حمام هم یک زیرانداز

از او می‌خواهم بگویند حضور افراد در خانه به مدتی نامشخص چه تأثیری بر روند زندگی او داشته است.

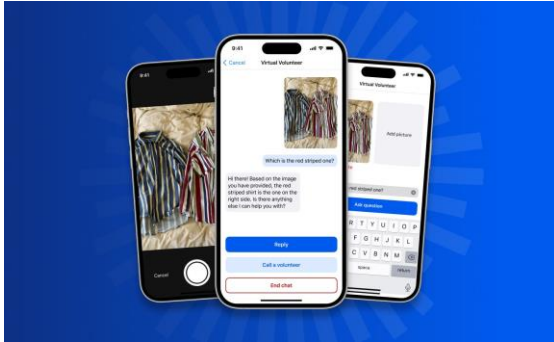
می‌گوید: طبیعتاً شرایط خیلی تغییر کرده بود. فضای فعالیت‌هایم کوچک‌تر شده بود. لپ‌تاپ و هرچه را که بیشتر به آن احتیاج داشتم، به اتاق آورده بودم. به‌هرحال می‌بایست فضای بیشتری را در اختیار خانواده قرار می‌دادم. سعی می‌کردم کنترل آشپزخانه را در دست داشته باشم، اما این کار همیشه هم مقدور نبود.

او در ادامه می‌گوید: محل جراحی مادرم به پانسمان تخصصی روزانه احتیاج داشت. پس از صحبت با چند پرستار به پیشنهاد همکارم با یک نفر موافقت کردم. آقای پرستار مهربانی که به خاطر حضور هر روزه‌اش تبدیل شده بود به یکی از اعضای خانواده ما. در مورد داروها هم در اینترنت می‌خواندم و هم با بعضی پزشکان مشورت می‌کردم. به اپیزودهای مربوط به سالمندی هم گوش می‌دادم. روی هم‌رفته حضورم به خاطر اطلاعاتی که داشتم، مفید بود. روز مهارت‌هایم را به‌روز و بیشتر کردم، مثلاً اندازه‌گیری قند خون و تزریق انسولین را از خواهرهایم یاد گرفتم. انگار دوره‌ای آموزشی را می‌گذراندم.

از او پرسیدم: چگونه هزینه‌ها را مدیریت کردی؟

او پاسخ داد: بیشتر هزینه‌ها را برادرم می‌پرداخت. در اوایل استخدام مادرم را تحت پوشش بیمه تکمیلی خودم قرار دادم تا برای دریافت خدمات بیمارستانی خیالش راحت باشد. چند سال پیش هم به کمک همین بیمه آب‌مروارید چشم‌های نازنینش را جراحی کرد. خوب به یاد دارم وقتی از او می‌پرسیدم حالا چطور می‌بینی، پاسخ واضحی نمی‌داد؛ تا اینکه روزی خواهرم گفت نور چشم‌هایش بیشتر شده است و همه‌چیز را واضح‌تر می‌بیند، اما قادر نیست اینها را به تو که نابینا هستی بگوید. انگار هیچ‌وقت حال مادرهای ما به خاطر نابینایی ما خوب نمی‌شود. بگذریم! هزینه پرستار را من

نگاهی به امکان استفاده از هوش مصنوعی برای تشخیص تصاویر در برنامه بی مای آیز گردآوری و ترجمه: میثم امینی



به احتمال زیاد نام بی مای آیز برای شما نامی آشناست. این برنامه در ژانویه ۲۰۱۵ شروع به کار کرد و این امکان را برای افراد نابینا و کم‌بینا فراهم کرد تا بتوانند با برقراری تماس تصویری با داوطلبان بینا از طریق تلفن همراه خود، از این داوطلبان در موارد مختلفی که نیاز به بینایی وجود دارد کمک بگیرند. هماهنگ کردن رنگ لباس‌ها، کار با وسایل منزل غیر دسترس‌پذیر و پیدا کردن وسایل گم‌شده نمونه‌هایی از مواردی است که افراد با آسیب بینایی می‌توانند به کمک بی مای آیز انجام دهند.

اخیراً شرکت بی مای آیز اعلام کرده است که می‌خواهد با استفاده از امکان جدید تشخیص تصویر نسخه ۴ روبات هوش مصنوعی چت‌جی‌پی‌تی، امکان دریافت توضیحات از تصاویر و پرسیدن سؤال در مورد آنها را با عنوان بی مای ای آی برای کاربران برنامه بی مای آیز فراهم کند. این امکان برای مدتی به صورت بسته مورد آزمایش قرار گرفت و بعد از مدتی فراخوان ثبت‌نام به‌عنوان آزمایش‌کننده بتا منتشر شد که به کاربران بی

نرم می‌گذاشتیم تا آسوده باشد. سال نو را باهم در کنار سفره هفت‌سین آغاز کردیم. بچه‌ها و گاهی هم دوستانم به دیدن ما می‌آمدند. خلاصه این که هرچه در توان داشتیم به کار می‌بستم تا روزهایش به‌خوبی بگذرد. حال عمومی‌اش خوب بود، اما گویا چیزی از درون داشت کار خودش را می‌کرد.

از او می‌خواهم از احوال کنونی مادرش بگویند.

پریناز جواب می‌دهد: حالا دیگر او در اتاقی ویژه در بیمارستان بستری شده است. کاری از هیچ‌کس برنمی‌آید. پرستارها غذای رقیق‌شده را از طریق لوله به او می‌دهند. یک‌بار تعدادی کیک و آب‌میوه برای آنها بردم.

دیگر هیچ‌یک از اعضای بدن مادرم کار نمی‌کند. من به تمام داروها شک دارم. تقریباً هر روز با عصا تنها به بیمارستان می‌روم. نگهبان‌ها مرا می‌شناسند. مرا تا آسانسور راهنمایی می‌کنند. بر بالینش می‌نشینم و برایش دعای یا مُقلب‌القلوب و الابصار را زمزمه می‌کنم. او این دعا را خیلی دوست دارد. گاهی هم آوازی از مرضیه برایش می‌خوانم. کمی که می‌گذرد، سرش را می‌بوسم و به خانه برمی‌گردم. روی مبل می‌نشینم و گاه در تنهایی به یاد خاطرات گذشته و رنج‌های امروز، ساعت‌ها اشک می‌ریزم. آفتاب عمر مادرم در حال غروب است. این را خوب می‌دانم، اما تحملش کار ساده‌ای نیست!

به فکر فرومی‌روم. گویی نابینایی هیچ محدودیتی برای پریناز ایجاد نکرده است. انسان در چنین شرایطی به نوعی وارستگی دست می‌یابد و آماده پذیرش هر موقعیتی می‌شود؛ شاید نوعی صلح درون.

با امید به این که هیچ‌یک از شما همراهان گرامی شاهد رنج عزیزانتان نباشید، این شماره از ستون زندگی را به پایان می‌بریم.

روزهایتان پر از شوق زندگی!

تخیل خودم سپرده می‌شد؛ تخیلی که هرچند قوی بود، ولی به چیز بیشتری نیاز داشت.

وقتی برای اولین بار در مورد بی‌مای‌ای‌ای، همکاری جدیدی بین شرکت اُپین‌ای‌ای و بی‌مای‌ایز، برنامه‌ای که داوطلبان بینا را از طریق تماس تصویری به نابینایانی که به کمک نیاز دارند متصل می‌کند، شنیدم، به خودم اجازه ندادم زیادی هیجان‌زده شوم. بی‌مای‌ای‌ای قول می‌داد که به ما نابینایان اجازه دهد توصیفی را دریافت کنیم که هوش مصنوعی آن را از هر تصویری که بارگذاری می‌کنیم تولید می‌کند. این یک چشم‌انداز وسوسه‌انگیز بود، اما این اولین باری نبود که شرکتی فناوری قول می‌داد که شیوه دسترسی معلولان را به محتوای دیداری متحول کند. مایکروسافت قبلاً برنامه سینگ‌ای‌ای را در اختیار ما قرار داده است که به شکلی بسیار ابتدایی ایده‌ای کلی را به ما ارائه می‌کند از اینکه در تصاویری که ما با این برنامه به اشتراک گذاشته‌ایم، چه خبر است و به ما اجازه می‌دهد با اطلاعات موجود در متن نوشته‌شده، بازهم به شکلی نسبتاً ابتدایی، تعامل داشته باشیم. در توصیف‌هایی که سینگ‌ای‌ای ارائه می‌دهد، جزئیات وجود ندارد و در بیشتر موارد ما فقط می‌دانیم که فردی در تصویر وجود دارد و این فرد چه کاری را انجام می‌دهد و نه چیزی بیشتر، اما بی‌مای‌ای‌ای متفاوت بود.

ناگهان من در دنیایی بودم که در آن هیچ‌چیز برایم محدود نبود. تنها با تکان دادن تلفن همراهم می‌توانستم با جزئیات کامل بشنوم که دوستانم چه لباسی پوشیده‌اند، تابلوهای خیابان‌ها و قیمت محصولات در مغازه‌ها را بخوانم، داخل یک اتاق را بدون وارد شدن به آن تجزیه و تحلیل کنم و در توصیف دقیق غذا که یکی از علاقه‌مندی‌های بزرگ من است غرق شوم، حتی توصیف رنگ‌ها، که برای بسیاری از ما به اندازه یک فرد بینا مهم است، نادیده گرفته نشده بود. من می‌توانستم از تلفن همراهم برای هماهنگ کردن لباس‌های مورد علاقه‌ام به شکل‌هایی که به ذهن خودم نرسیده بود

مای‌ایز اجازه می‌داد برای آزمایش این امکان جدید داوطلب شوند.

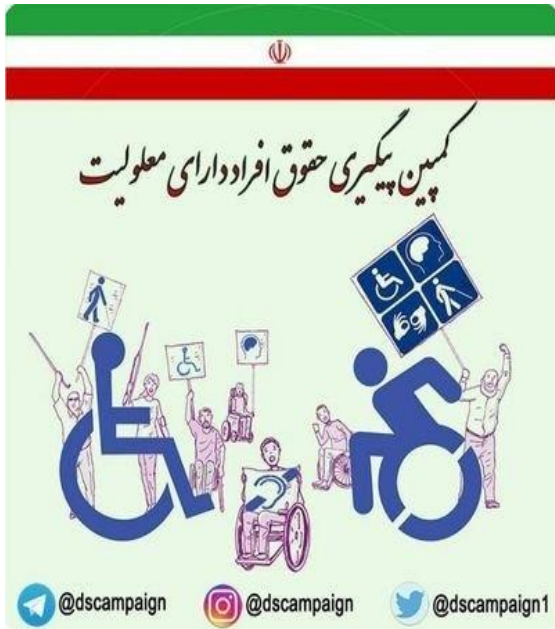
از روز ۱۴ اوت امسال کاربران آیفون که قبلاً به‌عنوان داوطلب برای آزمایش امکان بی‌مای‌ای‌ای ثبت‌نام کرده بودند، به‌تدریج به این امکان دسترسی پیدا کردند.

اکنون بی‌مای‌ای‌ای برای همه کاربران آیفون در دسترس است و این افراد می‌توانند از این امکان استفاده کنند. همچنین نسخه آزمایشی این امکان از چند هفته پیش، کم‌کم، در حال فعال شدن برای کاربران اندروید است که برای آزمایش این امکان ثبت‌نام کرده‌اند. پس اگر قبلاً برای آزمایش بی‌مای‌ای‌ای ثبت‌نام کرده‌اید، برنامه خود را به‌روز نگه دارید و منتظر رسیدن نوبتتان باشید. اگر هم تاکنون ثبت‌نام نکرده‌اید، می‌توانید این کار را داخل برنامه بی‌مای‌ایز انجام دهید.

در ادامه بخشی از تجربه یک فرد نابینا از بی‌مای‌ای‌ای را که در مجله «اسلیت» منتشر شده است می‌خوانیم.

من به‌طور مادرزاد نابینای مطلقم و تا قبل از این چیزهایی که افراد می‌توانستند از محیط اطرافم برایم توضیح دهند، دنیای دیداری‌ام را تشکیل می‌داد. برای اینکه بتوانم همه جزئیات یک اتاق را درک کنم یا در یک رستوران صورت‌غذا را بخوانم، به فرد دیگری وابسته بودم. وقتی عکس می‌گرفتم، معمولاً یادداشت‌های صوتی را برای آنها ضبط می‌کردم و اینکه کجا بودم و چه حسی داشتم را توصیف می‌کردم؛ به این امید که روزی بتوانم این تصاویر و یادداشت‌های صوتی را باهم جفت کنم و فاصله بین آنها را از بین ببرم. پوشه حاوی تصاویر گرفته‌شده در تلفن همراهم بیشتر پر شده بود با عکس‌هایی که گرفته شده بودند تا دیگران از آنها لذت ببرند، زیرا کسی نمی‌توانست ساعت‌ها با من بنشیند و اینکه چطور موج‌های دریا به صخره‌ها می‌خورند یا جزئیات یک خیابان شلوغ و پر جنب و جوش در ایتالیا را برایم توصیف کند. درنهایت جزئیات ملموس‌تر، به

وکیل پایه ۱ دادگستری: فعالیت کمپین
معلولان قانونی است
رؤیا بابایی: خبرنگار حوزه معلولان



ماهیت کمپین‌ها بیان مطالبه‌ها و خواسته‌های جمعی افراد است. گروه‌های مختلف شهروندان در قالب کمپین و با رعایت چهارچوب‌های قانونی کشور می‌توانند خواسته‌های خود را مطرح یا اعتراضشان به شرایط را اعلام کنند.

کمپین حمایت از حقوق معلولان نیز از این قاعده پیروی می‌کند.

این کمپین از هفت سال پیش تاکنون با هدف آگاهی‌رسانی به معلولان و مسئولان و تلاش در راستای احیای حقوق قانونی، اجتماعی و شهروندی معلولان فعالیت می‌کند و تاکنون دستاوردهای بزرگی، از جمله تصویب قانون و اجرای بخش‌هایی از آن و همچنین آشنایی دستگاه‌ها با وظایف خود در قبال معلولان را در کارنامه خود به ثبت رسانده است.

استفاده کنم. یکی از سرگرمی‌های مورد علاقه‌ام کشف رنگ اشیا در زندگی روزمره‌ام شد. از لوگوی برندها تا مبلمان موجود در فضای اطرافم، چیزهایی که هیچ‌وقت به فکر پرسیدن رنگشان نیفتاده بودم.

احساس می‌کردم که انگار دستیار شخصی کوچکی را در جیبم دارم که آماده است هر چیزی را که در زندگی روزمره‌ام با آن برخورد می‌کنم، برایم توصیف کند. برخلاف برنامه‌های دیگر، این دستیار می‌توانست به سؤال‌های من نیز پاسخ دهد. ادغام با جی‌پی‌تی-۴ به این معنا بود که من می‌توانستم با هوش مصنوعی درباره تصاویری که ارسال می‌کردم، مکالمه داشته باشم. من شروع کردم به عکس گرفتن از فهرست غذاهای رستوران‌ها و پرسیدن سؤال از هوش مصنوعی در مورد قیمت‌ها یا غذاهایی با شرایطی که به دنبالشان بودم. باینکه می‌دانستم هنوز به چیزی که ناقص است و هر لحظه ممکن است از کار بیفتد و ضمانتی برای باقی‌ماندنش نیست متکی شده‌ام، همه اینها به‌طور عجیبی برایم آزادی‌بخش بود.

در نهایت این مطلب را با نمونه‌ای از توصیفی که بی‌مای ای‌آی برای یک تصویر تولید کرده است، به پایان می‌رسانیم.

تصویر یک خانواده چهارنفره را نشان می‌دهد که در اتاقی با کف چوبی و دیوار سبز روشن ایستاده‌اند. مردی در سمت چپ قرار دارد که پیراهن چهارخانه آبی پوشیده است و در کنار او زن جوانی با ژاکت سفید قرار دارد. در سمت راست او یک زن مسن است که او هم ژاکت سفیدی به تن دارد. در مقابل آنها پسری جوان با پیراهن مشکی و شلوار خاکستری قرار دارد. مرد و زن جوان دست‌های خود را دور پسر گذاشته‌اند. پشت آنها دری چوبی در سمت چپ و یک اثر هنری قاب‌شده در سمت راست قرار دارد. همه آنها خوشحال و راضی به نظر می‌رسند.

کمپین به دنبال ارتقای سطح زندگی معلولان است

مدیر کمپین معلولان می‌گوید: در شهریورماه سال ۱۳۹۵، شنیدم برای تأکید به تصویب قانون حمایت از معلولان قرار است تجمعی مقابل مجلس برگزار شود. من آن‌موقع مطالعه‌ی چندانی درباره‌ی ماهیت کمپین‌ها نداشتیم، اما به این تجمعی پیوستم و بدون آنکه بخواهم، به‌عنوان یکی از نمایندگان معلولان وارد مجلس شدم و با جمعی از نمایندگان گفتگو کردم.

بهر روز مروتی بیان می‌کند: آن روز نماینده‌ها گفتند لایحه‌ی قانون معلولان هفته‌ی بعد به صحن می‌آید و ما از آن حمایت می‌کنیم، اما هفته‌ی بعد لایحه‌ی نه‌تنها در صحن علنی رد، بلکه با رأی ۱۳۱ نماینده از دستور کار مجلس خارج شد.

او ادامه می‌دهد: ماه بعد یکی از دوستان که برای گرفتن گزارش تصویری از من و برادرانم به منزل ما آمده بود، با اشاره به دانش فضای مجازی و کامپیوتر، مرا زیر سؤال برد و گفت: چرا صدای افراد معلول نمی‌شوی؟! کمی بعد من گروهی تلگرامی ساختم و با پیشنهاد دوستان نام کمپین پیگیری تصویب قانون معلولان روی آن گذاشتیم و این‌گونه شد که «کمپین معلولان» متولد شد.

مروتی توضیح می‌دهد: ما در کمپین از ابتدا دو محور برای فعالیت‌هایمان داشتیم. در مرحله‌ی اول می‌خواستیم تصویب لایحه‌ی قانون معلولان را پیگیری کنیم که این رویکرد بسیار موفق و اثرگذار بود؛ به‌گونه‌ای که همان ۱۳۱ نماینده‌ی مخالف تصویب قانون معلولان را هم همراه کرد.

این فعال حوزه‌ی معلولان ادامه می‌دهد: ما در سطح کشور متونی را تدوین کردیم و آن را توسط فعالان کمپین به نمایندگان شهرها و استان‌های مختلف در مجلس رساندیم. کم‌کم یک طومار واقعی توسط

فعالان کمپین در مشهد به دست آقای پژمان فر رسید و او طومار را در مجلس به اهتزاز درآورد و در نهایت لایحه‌ی قانون معلولان با بیش از ۱۹۰ رأی تصویب شد.

مدیر کمپین معلولان همچنین تأکید می‌کند: رویکرد ما در مرحله‌ی دوم، پیگیری اجرای قانون بود و هنوز هم هست.

مروتی می‌گوید: کمپین تقریباً در همه‌ی استان‌ها عضو فعال دارد، اما بسیاری از همکاری‌ها موقتی است، مثلاً در مورد تصویب لایحه در سراسر کشور عضو فعال بسیاری داشتیم و همین امر منجر به نتیجه شد. بعد از تصویب لایحه، بسیاری از فعالان کمپین وقتی دیدند قانون معلولان با وجود تصویب بازهم اجرا نمی‌شود، ناامید شدند و دست از فعالیت برداشتند.

او در خصوص تعداد اعضای کمپین نیز بیان می‌کند: تعداد اعضای کمپین معلوم نیست. کمپین فهرست ثبت‌شده‌ای ندارد که بر آن اساس تعداد اعضا و مشخصات افراد معلوم باشد. عضوگیری هم نداریم و هر کس بخواهد می‌تواند از شهر خودش داوطلبانه با ما فعالیت کند.

مروتی در خصوص بخش‌های فعالیت کمپین نیز ابراز می‌کند: فعالیت کمپین به بخش‌های بسیاری تقسیم می‌شود. در قدم اول کار کمپین، دادن فراخوان‌های متفاوت است و فراخوان الزاماً تجمع نیست، مثلاً ما اخیراً فراخوان ارسال نامه به نمایندگان مجلس را دادیم یا قبلاً فراخوان ارسال نامه به صدا و سیما، شورای شهر و شهرداری‌ها را داشتیم.

مدیر کمپین معلولان با اشاره به اینکه فعالیت‌های کمپین چندوجهی است و ابعاد مختلفی دارد و فقط به پیگیری اجرای قانون محدود نمی‌شود، می‌گوید: آگاهی‌بخشی، اطلاع‌رسانی، پیگیری مشکلات در

نسل‌مانا

گران‌ترین و کیل ایران تأکید می‌کند: همهٔ اقشار جامعه می‌توانند برای بیان خواسته‌های خود کمپین داشته باشند. این نوع فعالیت هرگز غیرقانونی نیست و فعالان آن اگر ضوابط کشور را رعایت کنند و موجب اختلال در نظم عمومی نشوند، مشمول هیچ مجازاتی نخواهند بود.

این وکیل معروف که چند سال پیش توانست وزارت بهداشت را به پرداخت دیه به خانواده‌هایی که به اعضایشان خون‌آلوده تزریق شده بود، محکوم کند، می‌گوید: کمپین‌ها نمی‌توانند ثبت شوند و از جایی مجوز بگیرند، اما تا زمانی که قانون را رعایت می‌کنند، تجمع و اقداماتشان قانونی است. هیچ‌کس نگفته که تعدادی از شهروندان نمی‌توانند مقابل نهادهایی مانند مجلس اجتماع و حرفشان را مطرح کنند.

صابری در خصوص اقدام رئیس سازمان بهزیستی کشور که فعالیت کمپین را سیاسی و امنیتی خوانده و اعضای کمپین را مشمول تبعات سیاسی دانسته بود نیز می‌گوید: معلولان به‌جز مطالبهٔ کمترین حقوقشان و تأکید بر پرداخت مستمری در شأن خود چه حرف یا اقدام سیاسی داشته‌اند که مشمول تبعات سیاسی و امنیتی شوند؟

به‌طور کلی انتظار می‌رود مسئولان امر در مواقع این چنینی نقدپذیر باشند و سعه صدر بیشتری از خود نشان دهند.



سازمان بهزیستی، تهیهٔ گزارش‌های تحلیلی، برگزاری مجمع، پیگیری مشکلات اداری و افشاگری فساد اداری نیز بخش دیگری از فعالیت‌های کمپین است و عملکرد کمپین بسیار فراتر از یک رسانه است؛ چراکه از همهٔ راه‌های ممکن ارتقای سطح زندگی معلولان و بهبود شرایط آنان را دنبال می‌کند.

ماهیت کمپین معلولان، کنشگری در لوای قانون است

دکتر علی صابری کمپین را فعالیتی عمومی می‌داند که ماهیت و جایگاه حقوقی ندارد، اما به افراد اجازهٔ بیان اعتراض‌ها و مطالبه‌گری حقوقشان را می‌دهد.

این استاد دانشگاه و وکیل پایه ۱ دادگستری، می‌گوید: سمن ساختار حقوقی ثبت‌شده‌ای است که تعاریف و اهداف مشخصی دارد و قانون روی آن نظارت می‌کند، اما کمپین جنبشی اجتماعی، کنشگری و مجموعه‌ای از فعالیت‌های مدنی است.

به گفتهٔ صابری در فعالیت کمپینی شهروندان به‌جای اینکه هریک جداگانه حرفشان را مطرح کنند، خواسته‌هایشان را به‌صورت جمعی در قالب یک کمپین و با برگزاری اجتماعات یا تهیهٔ نامه و طومار بیان می‌کنند.

این عضو شورای چهارم شهر تهران که خود از نایب‌نایان است، همچنین اذعان می‌کند: وقتی ده‌ها نفر در قالب کمپین خواستهٔ مشترکی را مطالبه می‌کنند، حرف و صدایشان بهتر شنیده می‌شود، اما در صورت بیان فردی ممکن است خواسته غیرمنطقی قلمداد شود یا دیگران متوجه مفهوم اصلی خواسته نشوند، اما جامعه همان خواسته را وقتی از سوی مجموعه‌ای از افراد بیان شود، می‌شنود و متوجه می‌شود که همهٔ این شهروندان دچار اشتباه نشده‌اند و خواسته‌های نامعقولی ندارند.

مشاغل از نگاه یوتیوبر نابینا

مترجم: مریم مشایخی

سم: سلام رفقا! خوشحالم که همچنان با من همراهید! همون طور که می‌دونید من تو این برنامه بهتون کمک می‌کنم تا زندگی نابینایی تون رو به بهترین شکل ممکن پیش ببرید. ما با یه قسمت دیگه از سری برنامه‌های ورکینگ بلایند^۱ پیش شما برگشتیم. توی این سری برنامه‌ها من با نابیناهای باحال و البته شاغل صحبت می‌کنم؛ به این امید که یه چشم‌انداز کلی برای شما فراهم بشه و بدویند چه جور شغل‌هایی برای ما نابیناها امکان‌پذیره. توی این قسمت هم یه مهمون خیلی جالب داریم. خب، جناب مهمان! خیلی ممنون که به برنامه ما اومدی!



کلوین: من خیلی خوشحالم که اینجام. درسته نمی‌تونم بینمتون، ولی چقدر خوبه که می‌بینمتون! اسم من کلوین کراسبیه و معمولاً منو به‌عنوان سفالگر ناشنوا، نابینا می‌شناسن.

سم: درسته! همین‌طور یه کارآفرین خوب، یه مرد خودساخته و یه تاجر موفق. قبل از هر چیز برای ما از مشکل بینابیت بگو!

- بیماری من سندروم آشر نوع ۲ است. سیزده‌ساله بود که دکترها بیماریم رو تشخیص دادن. سندروم آشر نوعی نقص در بینایی و شنواییه. من کم‌شنوا متولد شدم و در سیزده‌سالگی دید در شبم رو از دست دادم. به‌تدریج

هرچی بزرگ‌تر شدم، بیناییم کم و کمتر شد؛ تا اینکه در سن نوزده‌سالگی دید محیطیم رو کاملاً از دست دادم. در سن بیست‌سالگی وضوح بینایی چشم چپم از بین رفت و حدوداً سه سال پیش بود که وضوح دید چشم راستم رو هم از دست دادم. هنوز کمی از داخل تونلم می‌بینم، اما درست مثل مه‌گرفته‌ترین روز زندگی شما!

سم: من نمی‌دونستم که سندروم آشر انواع مختلفی داره، تو گفتی که سندرم آشر نوع ۲ داری؟

کلوین: بله! بذارین یه کم از این سندروم براتون بگم. آشر نوع ۲ این جوریه که شما کم‌شنوا متولد می‌شین و کم‌کم و به‌مرور زمان دید محیطی و دید در شبتون رو از دست می‌دین. آشر نوع ۳ هم داریم که در این نوع از آشر شما با شنوایی و بینایی خیلی کمی متولد می‌شین و در طول رشدتون، هر دو رو کاملاً از دست می‌دید.

سم: تو انجمنی رو اداره می‌کنی که به‌طور خاص با بیماری‌های ارثی شبکیه مثل اشتارگارت که بیماری خودمم هست، سر و کار داره. یه کم برامون از انجمنتون بگو! اونجا چه کارهایی انجام می‌دید؟

کلوین: ما اونجا کارهای حمایتی انجام می‌دیم. به افراد ناشنوا، نابینا کمک می‌کنیم تا به ابزارهای ارتباطی دسترسی پیدا کنن و کلاً به افراد معلول کمک می‌کنیم تا زندگی بهتری رو تجربه کنن. بعد از مدتی از شروع فعالیتامون به این فکر افتادم که باید برای افراد کم‌بینا و نابینا شغل‌هایی رو ایجاد کنیم. این ایده قطعاً فوق‌العاده بود و منم خیلی مشتاق بودم انجامش بدم، اما بزرگ‌ترین مشکل این بود که من می‌تونستم این کار رو انجام بدم، ولی خیلی از مشتریای من نمی‌تونستن. من چه جوری باید به مشتریام استفاده از ابزارهای مورد نیازشون برای شاغل شدن رو یاد می‌دادم؟ من یه مؤسسه غیر انتفاعی رو پیدا کردم و بهشون گفتم خب، شما می‌تونید به من کمک کنید و اعتبار مالی برای من تأمین کنید تا بتونم برنامه‌ای در چارچوب یک مؤسسه

^۱ Working blind

و خودش با آهن‌ربایی که داره به شارژرش متصل می‌شه.

- چند وقته که روی این پروژه کار می‌کنی؟

- خب! الان پنج سالی هست که من رو عصای سی‌می کار می‌کنم، البته بعد از شیوع کرونا حامیان طرح من، یکی‌یکی، بهم زنگ زدن و گفتن: شرمند! ما نمی‌تونیم برای ادامه طرح چک بنویسیم. خب! من برای ادامه کار رو اون پول حساب کرده بودم. در ژوئن ۲۰۲۰ هم من وضوح بینایی چشم راستم رو از دست دادم و دیگه نمی‌تونستم طراحی کد و کارهای مهندسی لازم رو انجام بدم. اینا مشکلات بزرگی بود و من واقعاً نمی‌دونستم چطور باید از پس این چالش‌ها بر بیام. از طرف دیگه من از شانزده‌سالگی سفالگری می‌کردم و سفالگری به معنای واقعی بخش شفاف‌بخش از دست دادن بیناییم بود. توی همون روزا یکی از دوستانم زنگ زد و گفت: کلون بیا و به سفالگری برگرد! منم گفتم باشه و خواهرش هم گفت که ما باید از کار تو یه ویدئو درست و توی تیک‌تاک پست کنیم. اون پست در طول ده ساعت بیش از صد هزار بار دیده شد و یک‌شبه دنبال کننده‌های من به بیست هزار نفر رسید. ویدئوی بعدی من با ۴ / ۱ میلیون بازدیدکننده، وایرال شد و دنبال‌کننده‌هام به بیش از پنجاه هزار نفر رسیدن. درعین حال با کمک دوستانم یک وبگاه طراحی کردیم و کلی سفارش شخصی گرفتیم. بعد من به خودم گفتم چرا گل رو برن دارم و تبدیل به پولش نکنم؟ بعد از اون با وجود دوستای زیادی که در حوزه مهندسی داشتیم، دوباره تونستم کار عصای سی‌می رو شروع کنم.

- اتفاقاً من سال گذشته تو یکی از مراکز تفریحی چند نفر رو دیدم که عصاهاشون می‌درخشید و برام خیلی جالب بود. واکنش بقیه به این قابلیت عصا چی بود؟

- راستش این اولین بار بود که احساس سلبریتی بودن بهم دست داده بود. همه با من حرف می‌زدن. می‌گفتن

غیر انتفاعی طراحی کنم؟ اونا گفتن: بله، حتماً! و ما باهم برنامه‌ای رو طراحی کردیم. شش ماه بعد طرح من اجرا شد. من شروع کردم به آموزش استفاده از کامپیوتر در محل کار به افراد نابینا و کم‌بینا. این طرح خیلی موفق بود و هنوز هم موفقیت‌آمیزه. من متوجه شدم که چقدر عالی می‌شه اگه چیزی رو که می‌خوام بسازم، پس شروع کردم به یادگیری مهندسی و تلاش کردم رو بات خودم رو بسازم. به خودم گفتم من می‌خوام یه راهنمای هوشمند بسازم، البته این کار خیلی هم بی‌خطر نبود. هیچ‌وقت یادم نمی‌ره، یک‌بار که سیم رو به بُرد وصل کردم، یهو یه چیزی گفت پوکککککک! خلاصه، با تمام این داستان‌ها ما اولین نمونه آزمایشی عصای نابینایی روباتیک رو ساختیم که شما می‌تونید دستورهایی رو براش تعریف کنید و اون شما رو از نقطه الف به نقطه ب می‌بره.

- حالا چرا این عصا اینجا نیست؟

- خب! برای تولید این عصا هزینه خیلی زیادی لازمه. بعدشم چون طبق آمارها از هر سه نابینا یکی با ماشین تصادف می‌کنه و خود من هم نه یه بار، بلکه سه بار تصادف کردم، فکر کردم این مسئله مهم‌تر از عصای روباتیک منه و خب! به خودم گفتم: آره! انجامش بده! و اون چیزی نیست جز عصای سی‌می^۱؛ عصای نابینایی درخشانی که به شما کمک می‌کنه در امنیت کامل هر جایی که دلتون بخواد برید. درخشش این عصا باعث می‌شه شما از فاصله سی متری دیده بشید. این عصا درست مثل یه عصای نابینایی معمولی کار می‌کنه. روی دسته این عصا دوتا دکمه هست که یکی برای روشن و خاموش کردن عصاست و اون یکی هم برای ویبره عصا که بدونید روشنه یا نه. قسمت مورد علاقه من محل شارژ مغناطیسی عصاست که در انتهای اون تعبیه شده و دیگه نیازی نیست شما دنبال جای شارژ عصا بگردید

^۱ See me

عصای سی‌می، به وسیله‌ای بدل شده که می‌تونه در کنار سایر ابزارها، به ایمنی ما در رفت و آمد کمک کنه! - خب! اجازه بده برگردیم به خودت و شغلت به‌عنوان مدیر اجرایی شرکت عصای سی‌می. تو از چه وسایلی برای انجام کارت استفاده می‌کنی؟

- یکی از خوبی‌های آقای خودت بودن اینه که اکوسیستم خودت رو می‌سازی. من الان دوتا شغل دارم؛ یکی به‌عنوان سفالگر نابینای ناشنوا در یکی از شرکت‌ها^۱ و اون یکی هم تولید عصای سی‌می در یکی دیگه از شرکت‌ها^۲، پس اکوسیستم من دو سطح داره. من هم از آفیس^۳ استفاده می‌کنم و هم از فضای کار گوگل و البته برای بیشتر کارای کامپیوتریم از صفحه‌خوان^۴ و وی‌دی‌ای استفاده می‌کنم و چقدر از این وی‌دی‌ای سپاس‌گزارم که بعد این همه سال هنوز نرم‌افزار خودشون رو به‌صورت متن‌باز نگه داشتن. در بخش دیگه‌ای از اکوسیستم من از خدمات آیرا^۴ استفاده می‌کنم. تمام فعالیتای سفالگری نابینای ناشنوا از طریق سیستم آیرا انجام می‌شه؛ ویدئوهایی که می‌سازیم، ویرایش این ویدئوها و همین‌طور کنترل کیفیت کارمون از طریق آیرا انجام می‌شه.

- توی چند قسمت از برنامه‌هامون من با دو سه نفر که شغل آزاد داشتن و شغل خودشون رو راه انداختن، صحبت کردم. فکر می‌کنم برای بعضیا این انتخاب، گزینه خیلی خوبیه. این که تو برای خودت کار کنی، می‌تونی محیط کارت رو خودت انتخاب کنی، ساعت و روزای کاریت دست خودته، قطعاً این موارد برای خیلی‌ها هیجان‌انگیزه.

- موافقم! تو اکوسیستم خودت رو جوری که دوست داری می‌سازی.

- کلوین! ممنون که با ما بودی!

این معرکه‌ست، ما هم همین الان باید یکیش رو داشته باشیم. منم می‌گفتم می‌دونم دوست دارید همین الان داشته باشیدش، ولی به‌خدا آماده نیست. همه دلشون این عصا رو می‌خواست. خیلی کم پیش می‌اومد که موقع راه رفتن، کسی جلوی من رو نگیره و راجع به عصا نپرسه.

- پس اگه آدم این عصا رو دستش بگیره مثل سلبریتی‌ها می‌شه، همه دلشون می‌خواد جلوتو بگیرن، ازت سؤال بپرسن، باهات صحبت کنن و اصلاً خودش یه راهی هست برای شروع معاشرت و آشنایی با آدم!

- حالا از باحال بودن حس و حال این عصا که بگذریم، ما نابیناها همیشه باید از عصاهای خوب و باکیفیت استفاده کنیم. همون‌طور که گفتم من سه بار با ماشین تصادف کردم؛ دفعه اول توی نیویورک بودم و داشتم می‌رفتم مدرسه که این اتفاق افتاد. واقعاً وحشتناک بود. بعد از اون دوباره مستقل شدن برام چالش بزرگی بود، سخت بود که خودم رو راضی کنم بازهم از خیابون رد شم. دو سه هفته بعد با وجود نگرانیم بازهم کم‌کم شروع کردم به تنها بیرون رفتن... می‌تونستم برم، ولی واقعاً یه کمی طول کشید تا مثل سابق بشم. همچنین اتفاقاتی نه‌تنها آسیب جسمی به آدم وارد می‌کنن، بلکه آسیب‌های روانی و احساسی هم دارن.

- چند سال پیش یه نفر برای آموزش اومده بود پیش من و وقتی وارد اتاق شد، عصاش دستش بود و من دیدم که عصاش به طرز افتضاحی از وسط شکسته بود. او تعریف کرد که داشته از خیابون رد می‌شده که ماشین بهش زده و رفته. من بهش یه عصای دیگه دادم و گفتم: از این استفاده کن! عصای خودت دیگه به درد نمی‌خوره. پس دوستای نابینای من بیرون برید، زندگی کنید، مستقل بشید، ولی لطفاً، لطفاً احتیاط کنید! آموزش ببینید، از مهارت‌های جهت‌یابی و حرکت استفاده کنید، به رفت و آمد ماشین‌ها دقت کنید. خیلی هم خوبه که

^۲ Microsoft office

^۴ aira

^۱ Living beyond the lable

^۲ Smart guider inc

معلولان و حقوق کار

نگین حیدری: کنشگر حوزه حقوق معلولان

در چهارمین شماره از مجموعه «معلولان و قوانین ایران»، در گفتگو با خانم زهرا عابدینی، پژوهشگر و فعال در حوزه حقوق معلولان با موضوع معلولان و حقوق کار با شما همراه هستیم. زهرا عابدینی پژوهشگر مقطع دکتری حقوق عمومی است و هم‌زمان به‌عنوان مدرس دانشگاه در رشته‌های حقوق اساسی و حقوق کار و همچنین عضو مؤسسه توسعه حقوق فقرزدایی و دبیر علمی انجمن ایرانی حقوق اداری شعبه استان قم فعالیت می‌کند.

مهمان این شماره پس از اشاره به مقدمه‌ای در خصوص قرار گرفتن حقوق کار در دسته مقررات حقوق عمومی و اینکه حقوق عمومی به قواعد مربوط به روابط بین دولت و مردم می‌پردازد و حقوق و آزادی‌های مردم را تضمین می‌کند، به بیان توضیحاتی در خصوص پیشینه حقوق کار و تحولاتی که این رشته از سر گذرانده است و ارتباط آن با حمایت از معلولان در گذر تاریخ می‌پردازد. او توضیح می‌دهد: حقوق کار رشته‌ای بسیار مدرن است؛ اگرچه از ابتدای ایجاد جوامع بشری و ارتباط میان مردم، هنجارهایی وجود داشته که بتوان آنها را در زمره روابط کارگری و کارفرمایی تلقی کرد، ولی طول عمر حقوق کار را به‌صورت منسجم و ساختاریافته نمی‌توان بیشتر از دویست سال تخمین زد. شیوه بهره‌گیری از نیروی انسانی و فشارهایی که بر نیروی کار وارد می‌شد باعث شد پس از تصویب قانون اساسی فرانسه در سال ۱۷۸۷ و قانون اساسی ایالات متحده در سال ۱۷۸۹، اصولی در خصوص حق اشتغال افراد تنظیم شود.

در سال ۱۹۱۹ سازمان بین‌المللی کار^۱ تأسیس شد. این سازمان با تنظیم مقرراتی کشورهای عضو را ملزم کرد قوانینی را به‌منظور بهره‌گیری صحیح از نیروی کار و همسو با توسعه جوامع تصویب کنند. در دوران لیبرالیسم

بر سه اصل جان، مال، آزادی تأکید می‌شد. به‌مرور دولت‌های رفاه روی کار آمدند و تلاش کردند خدمات عمومی را توسعه دهند. در خصوص حمایت از معلولان، قبل از دو جنگ جهانی اول و دوم، معلولان در پایین‌ترین سطح جوامع بشری بودند. جامعه آنها را فاقد هرگونه توانایی می‌دانست؛ در نتیجه یا به کار گرفته نمی‌شدند یا از آنها بهره‌کشی می‌شد. بعد از جنگ جهانی دوم، جامعه خود را با انبوه سربازانی مواجه دید که به سبب جنگ آسیب دیده و معلولیت‌های مختلفی پیدا کرده بودند و خود را در مقابل آنها مسئول می‌دانست. به تدریج قوانینی برای حمایت از آنها، به‌ویژه در زمینه توانمندسازی، کار و معیشت تصویب و به سایر معلولان نیز تعمیم داده شد. دولت‌ها تصمیم گرفتند از نیروی کار معلولان به‌تناسب توانایی و استعدادها بهره‌گیری کنند.

عابدینی در بیان قوانین مربوط به حقوق کار معلولان، به توضیح قوانین مختلف، از جمله مواد ۲۴ و ۲۷ کنوانسیون بین‌المللی حقوق افراد دارای معلولیت، ماده ۲۴ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۹ اصل سوم و اصل ۲۸ قانون اساسی و تأکید این قوانین بر منع هرگونه تبعیض ناروا می‌پردازد. او به رابطه بسیار مستقیم فقر و معلولیت اشاره می‌کند که در گزارش سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۰۹ منعکس شده است. در ادامه مراحل تصویب قانون کار، بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ و اصلاحات آن را تشریح می‌کند و این واقعیت را بیان می‌کند که قانون کار مقررات قابل‌توجهی در مورد معلولان ندارد، ولی در موادی از این قانون، حمایت‌هایی از معلولان صورت گرفته است، از جمله ماده ۱۹۰ در خصوص مرخصی‌ها و ساعات کار، ولی کارفرمایان باید توجه داشته باشند که همه قواعد عامی که نسبت به سایر کارگران قدرت اجرایی دارد و حقوق کارگران را تضمین می‌کند، شامل کارگران معلول نیز می‌شود.

عابدینی در خصوص موضع قانون کار نسبت به معلولان بیان می‌کند: قانون کار قانون حمایتی برای معلولان

^۱. International Labor Organization

نسل‌مانا

تولد شکوفه‌ها در شوره‌زار (کشف و پرورش استعداد‌های افراد نابینا و کم‌بینا)

مسعود طاهریان: مددکار مؤسسه حمایت از بیماران چشمی آرپی

مفهوم استعداد

استعداد توانایی ذاتی فرد برای عملکرد برجسته در حوزه‌ای خاص است. برخلاف



دانش و مهارت‌های آموخته‌شده که از طریق تمرین به دست می‌آیند، استعداد ظرفیت ویژه فرد برای پیشرفت نسبتاً سریع در حوزه مربوط و توانایی دستیابی به سطح عملکرد بالاتر از متوسط است؛ بنابراین کشف و پرورش استعداد‌های افراد نابینا و کم‌بینا نخستین قدم برای هرگونه توانمندسازی آموزشی و حرفه‌ای محسوب می‌شود و به آنها کمک می‌کند تا در رشته‌ای مشخص به خودشکوفایی برسند و زندگی مستقل و کارآمدی داشته باشند.

زمینه آموزشی و وضعیت شغلی کنونی افراد نابینا و کم‌بینا

توانمندسازی به معنای قدرت بخشیدن و دادن آزادی عمل به افراد برای اداره خود و اضافه کردن توانایی از طریق مداخله محیطی و فرایندی به‌منظور رسیدن به سازگاری و هماهنگی بیشتر با شرایط موجود است. با در نظر گرفتن نظام آموزشی، فرهنگی و اقتصادی کنونی کشور، افراد نابینا و کم‌بینا به سمت حوزه‌هایی هدایت می‌شوند که به حداقل اقدام‌های توان‌بخشی نیاز دارند. کم پیش می‌آید که دانش‌آموزان با آسیب بینایی بتوانند در رشته‌هایی، به‌جز علوم انسانی تحصیل کنند، مگر آنکه خانواده‌شان توان مالی و اصرار لازم برای ثبت‌نام

نیست، ولی از مقررات عمومی آن برای معلولان می‌توان استفاده کرد، مثل تعطیلی یک روز در هفته، ساعات کاری ۴۴ ساعته در هفته، ارائه آموزش‌های شغلی، ولی متأسفانه فقر ادبیاتی قانون کار در حوزه حقوق معلولان کاملاً مشهود است. مهمان این شماره در بیان مقررات بین‌المللی که قابلیت اجرا در ایران دارند، به کنوانسیون بین‌المللی حمایت از معلولان، به‌ویژه ماده ۲۷ در خصوص دستمزد برابر برای کار برابر، ایجاد محیط مناسب، امکان تشکیل اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایی اشاره می‌کند. او اضافه می‌کند به‌صورت ویژه و خاص، مواد ۱۰ تا ۱۶ قانون حمایت از معلولان به بحث حمایت از اشتغال و کار معلولان اختصاص یافته است.

به نظر مهمان این شماره از مجموعه «معلولان و قوانین ایران»، در قانون حمایت از معلولان، بیشتر بر حمایت‌های مالی از کارگران و کارفرمایان تأکید شده است و همواره به دلیل در نظر گرفته نشدن اعتبارات لازم، اعمال این حمایت‌ها با چالش‌های متعددی روبه‌رو بوده است، حتی در بعضی موارد به دلیل در نظر گرفته نشدن ضمانت اجرای محکم قانونی، کارفرمایانی به طمع بهره‌مندی از همین تسهیلات مالی، معلولان را برای مدت بسیار کوتاه به کار گرفته و مزایای مقرر در قانون کار را نیز به آنها پرداخت نکرده‌اند.

مهمان این شماره ضمن بیان وضعیت حقوقی قراردادهای کارآموزی در موارد مختلف و مزایای احتمالی آن، مشخصاً به توضیح کارآموزی معلولان و بحث خود اشتغالی و ملزومات و ضرورت‌های امنیت شغلی معلولان، در قانون حمایت از معلولان و چالش‌های موجود می‌پردازد.

علاقه‌مندان به آشنایی با مباحث مربوط به حقوق کار معلولان، می‌توانند مشروح این گفتگو را از طریق پادکست ضمیمه که از طریق وبگاه و کانال‌های نسل‌مانا قابل دریافت است، دنبال کنند.

در عرصه اشتغال هم افراد نابینا و کم‌بینا وضعیت بسیار نابسامانی دارند و چون توانمندی‌های این افراد برای جامعه شناخته شده نیست و کلیشه ذهنی ناتوانی درباره آنها به طور گسترده وجود دارد، کارفرمایان به آنها اعتماد نمی‌کنند و رغبتی به استخدامشان ندارند.

تنگناهای آموزشی و هدایت تحصیلی افراد

نابینا و کم‌بینا

دانشگاه‌ها رشته تخصصی تربیت‌معلم برای آموزش دانش‌آموزان نابینا و کم‌بینا ندارند و دانشجویان با گروه‌های استثنایی به صورت عمومی آشنا می‌شوند. مربیانی که باید برای این افراد تدریس کنند، آموزش‌های عملی و دوره‌های کارورزی محدودی سپری کرده‌اند. همچنین استخدام و حقوق از زمان ورود به دانشگاه فرهنگیان، نیاز درونی دانشجویان معلم را برای فعالیت‌های علمی پژوهشی کاهش می‌دهد؛ علاوه بر این گزینش علمی و تخصصی کافی برای معلمان در بدو ورود و ضمن خدمت انجام نمی‌شود و مباحث عقیدتی‌سیاسی اهمیت بیشتری دارد. این موارد می‌تواند جذب افراد بدون استعداد تدریس و ناآشنا با چالش‌های آسیب‌بینایی را به دنبال داشته باشد. پایین بودن حقوق معلمان نسبت به کارکنان سایر وزارتخانه‌ها نیز مشکلات را بطنج‌تر می‌کند؛ در نتیجه مربیانی که باید به افراد نابینا و کم‌بینا آموزش دهند، چندان مهارت و هنر آموزش، خلاقیت و انگیزه لازم را ندارند.

چالش دیگر در مدارس، برنامه آموزشی تکراری و یکپارچه برای تمام دانش‌آموزان با استعدادهای متنوع است. این برنامه آموزشی محتوای غیر کاربردی، جزئی و انتزاعی دارد که با نیازها و علاقه‌های دانش‌آموزان سازگار نیست. دیگر چالش، دسترس‌پذیر نبودن آزمون‌های سنجش است. این آزمون‌ها معمولاً به صورت کتبی و دیداری برگزار می‌شوند که برای افراد نابینا و کم‌بینا مناسب نیست. همچنین سواد و حوصله منشی آزمون‌های سنجش ممکن است مانع قبولی این افراد باشد. چالش دیگر، بی‌توجهی به پیشنهادها و افراد

در مدارس غیرانتفاعی را داشته باشند. در سال‌های اخیر رشته موسیقی در حوزه هنر و رشته خدمات اداری در حوزه کاردانش، به آموزش رسمی نابینایان و کم‌بینایان اضافه شده است، اما برای این افراد امکان تحصیل در سایر رشته‌های غیر نظری دوره متوسطه دوم وجود ندارد و مباحث عملی و دیداری دروسی مانند ریاضی یا علوم، حتی در دوره‌های تحصیلی پایین‌تر، برای آنها خلاصه یا حذف می‌شود.

رایگان شدن آموزش عالی بر اساس ماده ۹ قانون حمایت از حقوق معلولان، سواد و موفقیت تحصیلی افراد نابینا و کم‌بینا را به طور معناداری کاهش داده است. این افراد دیگر با نسبت کمتری در دانشگاه‌های دولتی پذیرفته می‌شوند. از سوی دیگر، معمولاً این افراد رشته‌های دانشگاهی خاصی مانند حقوق، روان‌شناسی، علوم اجتماعی، علوم سیاسی، ادبیات فارسی، الهیات و زبان‌های خارجی تحصیل می‌کنند و مجبورند در سازمان‌های خدماتی مانند آموزش و پرورش، بهزیستی، سازمان زندان‌ها و تأمین اجتماعی استخدام شوند. ظرفیت بازار کار در این حوزه‌ها محدود است و آینده شغلی این متقاضیان را در ابهام قرار می‌دهد. اگر این افراد با تلاش شخصی و حمایت خانواده در رشته‌های دانشگاهی غیر نظری مثل فیزیوتراپی یا مهندسی کامپیوتر پذیرفته شوند، اجازه ثبت‌نام نمی‌گیرند. اگر هم بتوانند تحصیل را به پایان برسانند، پیدا کردن شغل و قبولی در مصاحبه‌های شغلی در آن زمینه‌ها برایشان بسیار دشوار خواهد بود. همچنین امکان فراگیری هیچ حرفه‌ای برای افراد با آسیب بینایی در بستر آموزش رسمی و غیررسمی کشور وجود ندارد و بدون تحصیلات دانشگاهی، نمی‌توانند در بیشتر موارد شغلی پیدا کنند. وجود خدمات ویژه مانند ضبط کتاب‌های درسی برای دانشجویان با آسیب بینایی در برخی دانشگاه‌ها مانند دانشگاه تهران باعث می‌شود که علاقه‌ها و توانایی‌های این افراد در انتخاب رشته، قربانی شرایط و امکانات محیطی شود.

اقدام‌های این دفتر در رابطه با دانش‌آموزان نابینا و کم‌بینا می‌تواند شامل این موارد باشد.

- شناسایی رشته‌های جدید آموزشی و شغلی مطابق استعداد‌های افراد
- مناسب‌سازی محتوای آموزشی
- دسترس‌پذیر کردن آزمون‌های سنجش با دادن منشی تخصصی یا بریل کردن پرسش‌ها
- برنامه‌ریزی تدریس مباحث دیداری و عملی
- فراهم کردن فرصت‌های مطالعاتی برای کارشناسان برنامه‌ریزی در مراکز آموزشی و توان‌بخشی بین‌المللی
- تأمین و تربیت نیروی انسانی متخصص برای آموزش مباحث
- معرفی انواع رشته‌های تحصیلی و شغلی به دانش‌آموزان در محتوای درسی
- جدیت در اجرای آزمون‌های رغبت و توانایی در مدرسه
- مشاهده رغبت و توانایی دانش‌آموزان در موقعیت‌های واقعی و عملی مانند بازی، فعالیت تشکلی و داوطلبانه، مسابقه، جشنواره و المپیاد از سویی مربیان مدارس باید دانش و مهارت‌های خود را به‌روز نگه دارند و شرایط جامعه و فناوری‌های جدید را رصد کنند تا بتوانند ظرفیت‌های آموزشی و شغلی نوین را به شاگردانشان معرفی کنند. برای ملموس کردن و مجسم‌سازی محتوای آموزشی هم باید از مدل‌سازی و آزمایش عملی و طرح‌های برجسته و فناوری‌های کمکی روز بهره بگیرند. همچنین مدیران مدارس باید تنخواه داشته باشند تا بتوانند هزینه اضافه‌کاری کارشناسان و مربیان را پرداخت کنند و انواع فعالیت‌های فوق‌برنامه راه بیندازند. به این شکل بسترهای آموزشی متنوع ایجاد می‌شود و دانش‌آموزان حق انتخاب و مشارکت بیشتری پیدا می‌کنند.
- معاونت توان‌بخشی سازمان بهزیستی ارگان دیگری است که می‌تواند با انجام اقدام‌هایی، استعداد‌های افراد

متخصص است. این افراد می‌توانند راهکارهایی برای بهبود برنامه آموزشی، استفاده از فناوری‌های کمکی و... ارائه دهند، اما مسئولان از این پیشنهادها غافل می‌شوند و به‌جای آن، فرصت‌های مطالعاتی را به سفرهای تفریحی و طرح‌های پژوهشی را به اقدام‌های تشریفاتی تبدیل می‌کنند!

مشکل دیگر، به‌ویژه در مدارس استثنایی، قوانین محدودکننده حدنصاب تعداد دانش‌آموزان برای اختصاص دادن نیروهای کاری در زمینه‌هایی مانند مربی پرورشی و بهداشت، مشاور، معاون آموزشی و پرورشی، کاردرمان، گفتاردرمان و... است که باعث می‌شود ظرفیت‌های مدارس مانند سالن ورزشی و اتاق معاینه، خالی بماند. پایین بودن تعداد کلاس‌ها در مدارس استثنایی هم معلمان را مجبور می‌کند برای پر کردن ساعات موظفی در دروسی تدریس کنند که تخصصی در آنها ندارند. این مسائل می‌تواند افراد نابینا و کم‌بینا را در انتخاب مسیر تحصیلی و شغلی با مشکلات جدی روبه‌رو کند.

ارگان‌های متمرکز در استعدادیابی افراد

نابینا و کم‌بینا

سازمان آموزش و پرورش استثنایی متولی امور آموزشی دانش‌آموزان نابینا و کم‌بینا است و می‌تواند اصلی‌ترین ارگانی باشد که در زمینه پرورش استعداد‌های این افراد نقش‌آفرینی کند. این سازمان باید در نمودار اداری خود دفتری را اضافه کند که وظیفه آن تنها کشف و پرورش استعداد‌های دانش‌آموزان با نیازهای ویژه باشد، حتی این دفتر می‌تواند با همکاری سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان وزارت آموزش و پرورش دایر شود که در حال حاضر صرفاً بر امور تحصیلی دانش‌آموزان با بهره هوشی بالا نظارت دارد. کارشناسان این دفتر باید در کنار مربیان نظارت کنند تا در مدارس، بستر آموزش دانش‌آموزانی که در رشته‌های خاص مانند هنرهای نمایشی یا علوم کامپیوتر استعداد دارند، فراهم شود.

تحصیلی، خانواده‌ها و افراد نابینا و کم‌بینا را در انتخاب مسیر مناسب راهنمایی کنند. همچنین خوب است این ارگان‌ها با همکاری مدارس به این افراد ظرفیت‌های نوین فضای مجازی را در ایجاد مشاغل خویش‌فرما و برندسازی شخصی آموزش دهند.

راه‌حلهایی برای خانواده‌ها و افراد نابینا و

کم‌بینا

استعدادیابی فرایندی چندجانبه است که نیاز به اقدام‌های شخصی هم دارد، از جمله افراد نابینا و کم‌بینا باید واقع‌بین باشند و از تله‌ اثبات و زندگی مطابق میل دیگران دوری کنند؛ آنها باید از تفکر قالبی رها شوند و با تقویت تفکر نقاد و خلاق، جسارت فرا رفتن از مرزهای گذشتگان را پیدا کنند؛ آنها باید با مشاغل و رشته‌های تحصیلی آشنا شوند و برای این منظور، خواندن و شنیدن خاطرات و زندگی‌نامه افراد شاغل در مشاغل مختلف را راهنمای خود بدانند و مطالعه را در برنامه روزانه خود قرار بدهند؛ انجام فعالیت‌های داوطلبانه و گروهی را برای محک توانایی‌ها و رسیدن به لذت مفید بودن جدی بگیرند؛ مهارت‌های هنری را برای پرورش قدرت تخیل و چهارچوب‌شکنی بیاموزند؛ مشتاق یادگیری باشند و پول خرج کردن برای فراگیری را به‌عنوان سرمایه‌گذاری در نظر بگیرند؛ باید مهارت‌های عمومی مانند فن بیان، مهارت‌های کلامی و زبان بدن، زبان انگلیسی، کار با عصای سفید، کاربری کامپیوتر، استفاده از تجهیزات و نرم‌افزارهای روز را فراگیرند و در نهایت باید منظم و صبور باشند. والدین نیز نقش مهمی در استعدادیابی فرزندان‌شان دارند. آنها باید کلیشه ناتوانی و حمایت افراطی را کنار بگذارند و استعداد‌های فرزندان‌شان را سرکوب نکنند؛ به فرزندان‌شان آزادی عمل بدهند و مسئولیت برخی کارها را به آنها بسپارند؛ علاقه‌های آنها را ببینند و دغدغه‌هایشان را بشنوند؛ بستر پرورش استعدادها را با ثبت‌نام در دوره‌های آموزشی فراهم نمایند و علاوه بر اینها با ایجاد فرصت کسب درآمد و موفقیت عملی، فرزندان‌شان را تشویق کنند.

نابینا و کم‌بینا را کشف کنند و پرورش دهد، از جمله با کمک رسانه‌های جمعی، به والدین و جامعه کمک کنند تا به شناختی واقعی در زمینه توانمندی‌های این افراد برسند؛ مشوق‌هایی مانند وام یا معافیت مالیاتی و بیمه‌ای برای کارفرمایان در نظر بگیرد تا بازار کار را به استخدام افراد معلول ترغیب کند؛ با اختیار گذاشتن حمایت‌هایی مانند وام خود اشتغالی، معرفی بازار مصرف محصولات و دادن تجهیزات کمکی، افراد نابینا و کم‌بینا را برای راه‌اندازی شرکت‌های نوآفرین و تشکیل شرکت‌های تعاونی کوچک و زودبازده اقتصادی تشویق کند؛ حداقل نصف شهریه دانشگاه آزاد را به دانشجویان دانشگاه‌های دولتی بپردازد تا کیفیت سواد در جامعه هدف ارتقا پیدا کند؛ فرصت‌های آموزشی و مشاغل مناسب‌سازی شده را به اطلاع این افراد برساند؛ با تهیه دستورالعمل و دادن مشاوره، اهداف رفتاری را در فضاهای شغلی دسترس‌پذیر کند و در فرایند استعدادیابی، به بسیج سایر ارگان‌ها بپردازد؛ علاوه بر اینها باید روند دیوان‌سالاری را در زمینه دسترسی به حمایت‌های راه‌اندازی کسب و کار اصلاح کند و با اختصاص دادن حمایت‌های جداگانه و امتیاز ویژه برای افراد بااستعداد، صف‌های انتظار و ازدحام درخواست‌ها را از بین ببرد.

سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای هم یکی از نهادهایی است که در سال‌های اخیر آمادگی خود را برای توان بخشی آموزشی و شغلی افراد نابینا و کم‌بینا اعلام کرده است. این سازمان می‌تواند با برگزاری دوره‌های مهارتی مناسب، زمینه‌های لازم برای ورود این افراد را به بازار کار و اشتغال فراهم کند، در صورتی که هنوز نمی‌داند توانمندی‌ها و نیازهای این گروه چیست و چگونه می‌تواند دروس فنی و حرفه‌ای را به آنها آموزش دهد! لازم است این سازمان به‌منظور توسعه فعالیت‌های استعدادیابی و تهیه منابع و دوره‌های مناسب‌سازی شده همکاری‌های گسترده‌ای را با سایر نهادهای دولتی و خصوصی مربوط داشته باشد.

سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه آسیب بینایی هم می‌توانند با وارد شدن به عرصه مشاوره شغلی و

فیزیک و مدرس نجوم و گویندهٔ رادیو و سردبیری برنامه‌های تلویزیونی را بر عهده داشته است و کار نهایی کتاب‌های گروه جیکو، یعنی تدوین حاصل زحمات اوست.

طاهریان توضیح می‌دهد: با توجه به خلأ موجود در کتاب کودک نابینا و کم‌بینا که دسترسی کمتری برای آنها وجود دارد، مسائلی مانند مصور بودن کتاب کودک که سبب می‌شود این کتاب‌ها برای کودکان با آسیب بینایی خوانده نشود یا کتاب‌هایی هم که چنین ویژگی‌ای نداشته باشند، به‌صورت قصه‌خوانی برای افراد با آسیب بینایی خوانده شود یا کتاب صوتی حاصل مهارت گوینده‌ای است که آن را می‌خواند. این امور دلایلی هستند تا با محتواهای بی‌کیفیت مواجه باشیم. از سوی دیگر کتاب‌های منتخب برای افراد با آسیب بینایی اغلب کتاب‌هایی هستند که تصویر در آنها کمتر حضور دارد؛ به‌گونه‌ای که به‌راحتی می‌شود از آن چشم‌پوشی کرد.

راه دیگر تهیهٔ محتواهایی است که صرفاً برای افراد با آسیب بینایی آماده می‌شوند. هیچ‌کدام از اینها کتاب‌های مصوری نیستند که افراد عادی هم‌سن و سال افراد نابینا و کم‌بینا مورد مطالعه قرار می‌دهند. در چنین وضعیتی کودکان نابینا و کم‌بینا کتاب‌های کمتری برای خواندن و مطالعه دارند. این شرایط سبب شد تا ایدهٔ بنفشه کلانتری، عضو شورای کتاب کودک، برای تهیهٔ کتاب‌هایی که در آنها کتاب‌های تصویری هم برای افراد نابینا و کم‌بینا، توضیح‌دار شود، گامی جدید در تهیهٔ کتاب کودک برای افراد با آسیب بینایی باشد. ویژگی‌هایی که قرار شد برای این کتاب‌ها در نظر گرفته شود عبارت بود از: استفاده از فنون صدآپیشگی، توضیح تصویر، ساخت موسیقی برای فضاسازی و درنهایت افکت‌گذاری.

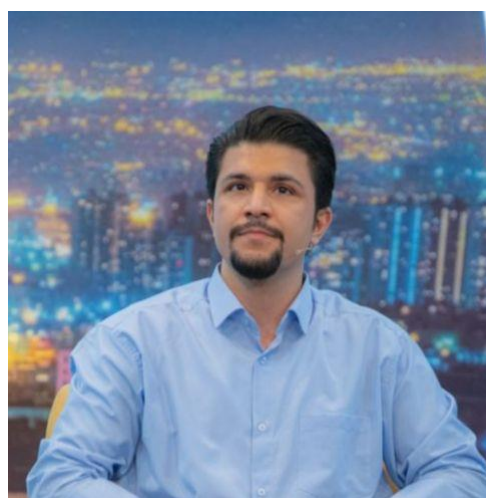
در ادامهٔ این گفتگو بنفشه کلانتری داستان صدآپیشه شدن خود و روخوانی کتاب برای نابینایان در مرکز نابینایان دانشگاه تهران را توضیح می‌دهد و از گذراندن کلاس‌های دوبله و تئاتر می‌گوید.

نواک: نوای کتاب در گفتگو با

صاحب‌نظران نابینا

رقیه شفیعی: کارشناس بخش نابینایان نهاد کتابخانه‌های عمومی ایلام

بار دیگر مفتخریم تا با هم پای صحبت‌های کسانی بنشینیم که برای نابینایان قدمی ثمربخش برداشته‌اند و امید دارند تا کار ارزشمندشان مورد توجه جامعهٔ هدف قرار گیرد.



در ماهی که به نام «کتاب و کتاب‌خوانی و کتابدار» معرفی شده است، ابتدا پرستو ولدخان راجعه پیشینهٔ تهیهٔ کتاب کودک برای افراد با آسیب بینایی توضیح می‌دهد و سپس میزبان گروه جیکو می‌شویم تا اول اعضای گروه را بشناسیم و از توانایی‌هایشان برایمان بگویند. مسعود طاهریان مشاور آموزش و پرورش و کارشناس کتاب گروه جیکو است که مفصل در پادکست، خودش را برای شنوندگان معرفی می‌کند. غزل فتح‌الهی تصویرگری گروه جیکو را بر عهده دارد. او بیش از ده سال است که تصویرگر کتاب کودک و نوجوان است. میلاد خالص فارغ‌التحصیل زبان و ادبیات فارسی است و آهنگ‌سازی کتاب گروه جیکو را بر عهده گرفته است. بنفشه کلانتری ادبیات فارسی خوانده و صدآپیشه است و گویندگی کتاب گروه جیکو فعالیت اصلی او در گروه است. احسان مهرجو دانش‌آموختهٔ

نسل‌مانا

دوستان نابینا این موضوع را به او یادآوری کرده‌اند؛ تذکری به‌جا که شاید افراد بینا کمتر به آن توجه کنند! هر کدام از اعضای گروه جیکو کار حرفه‌ای را که لازمه تهبیه کتاب کودک مناسب با آسیب بینایی است، تشریح می‌کنند و از فنونی صحبت می‌کنند که خود در این راستا به کار می‌گیرند.

میلاذ خالص آهنگ‌هایی را که برای کتاب‌های جیکو استفاده کرده، در اختیار نواک قرار داده است. خوانندگان عزیز می‌توانند با گوش دادن به پادکست، بخشی از این آهنگ‌ها را بشنوند.

در نهایت طاهریان از شورای کتاب کودک و نشرانی که کتاب‌هایشان را رایگان برای ضبط در اختیار آنها قرار داده‌اند تشکر کرد. او امیدوار بود که دیگر ناشران کتاب کودک و کسانی که می‌توانند به‌منظور توسعه افزایش منابع مطالعاتی برای کودکان نابینا و کم‌بینا گامی بردارند، به آنها در این مسیر نو کمک کنند تا کودکان با آسیب بینایی هم دغدغه خواندن کتاب را نداشته باشند. او افزود کتاب‌های تهیه‌شده در گروه جیکو در فیدیبو بارگذاری شده و به‌صورت رایگان در اختیار علاقه‌مندان به کتاب‌های صوتی توضیح‌دار برای کودکان قابل دسترس است.

در پایان همین شماره از نواک می‌توانید به لینک رایگان کتاب‌ها مراجعه و با معرفی به دیگران و نظر دادن راجع به کار اعضای گروه جیکو قطعاً به تقویت و بهبود کار این گروه تلاش‌گر کمک کنید. شما می‌توانید مشروح این گفتگو را در قالب فایل صوتی در پادکست ضمیمه‌شده در وبگاه و کانال‌های نسل مانا بشنوید.

موزی که می‌خندید

تو یک جهانگردی

من مترسکم ولی می‌ترسم

غزل فتح‌الهی راجع به اضافه شدنش به گروه جیکو سخن می‌گوید و نوع و معیار انتخاب کتاب‌ها را ذکر می‌کند و انواع کتاب‌ها از نظر تصویر را می‌شناساند. همچنین به بیان اهمیت کتاب‌های انتخابی و ویژگی‌های آنها می‌پردازد.



میلاذ خالص درباره موسیقی برای افراد با نیازهای ویژه می‌گوید: سال ۹۷ با کتابی به نام **موسیقی درمانی** آشنا شدم که در آن موزیک‌تراپی یا موسیقی درمانی رشته‌ای دانشگاهی معرفی شده که از دهه شصت میلادی در آمریکا بنیان‌گذاری شده است. این دانش کمک می‌کند که چگونه باید برای معلولان آهنگ‌سازی کرد که این آهنگ‌ها هم متناسب با شنوایی و ادراکشان باشد و هم باعث رشد و پیشرفت شود، مثلاً ردیف‌ها برای گروه‌هایی با آسیب بینایی باید طوری انتخاب شوند که به حرکت آنها بینجامد یا از صداهای ریز استفاده نشود.

احسان مهرجو از دعوت شدنش برای تدوین کتاب‌های جیکو و تجربه‌های گذشته همکاری خود با گروه دانش‌آموزی کودک مجله «رشد» می‌گوید که تهبیه فایل‌های صوتی شعر و داستان را انجام داده است. او می‌افزاید علاقه خودش و حضور دو نفر از اعضای خانواده و دغدغه‌های آنان برای خواندن کتاب و آشنایی او با این مسئله، از دلایل پذیرش کار گروه جیکو بوده است. مهرجو از شنوایی دقیق نابینایان می‌گوید و تعریف می‌کند که در طرح مقدماتی کارش از صدای پرندگان روزگاهی، در جایی که شب بوده، استفاده کرده است و

برای ۱۲ آذر روز جهانی معلولین

سردبیر: قطعه پیش رو را موسی عصمتی، دبیر آموزش و پرورش استثنایی و شاعر برجسته نابینا به مناسبت دوازدهم آذر، روز جهانی افراد دارای معلولیت، برای انتشار در اختیار ماهنامه نسل مانا قرار داده‌اند که از این استاد فرهیخته بابت این تحفه گران‌قدر، سپاس‌گزاریم.

من دیرآموزم ولی باران
از من صفا را یاد می‌گیرد
احساس راه، بی‌رنگ بودن را
رنگ خدا را یاد می‌گیرد
*

من روشنم مثل زلالی که
در چشمه‌های روستا جاری‌ست
بی‌کینه‌ام مثل نگاهی که
از خنده آینه‌ها جاری‌ست
*

هرچند تقدیرم نشستن بود
من ایستادم روی پاهایم
با صندلی چرخ‌دارم باز
پرچم‌به‌دست صبح فردایم

روزی تمام جاده خواهد دید
تا انتها بی‌پا دویدن را
با من تمام شهر خواهد خواند
موسیقی فصل رسیدن را

با وجود برخی تفاوتها...

همیشه در کنار هم هستیم



Talab.org

با عینکی که تا ابد دودی‌ست
من آفتابی تازه می‌بینم
این سوی تاریخ جهان هر شب
فانوس بی‌اندازه می‌بینم
*

از نقطه نقطه خط برجسته
راهی به سمت نور خواهیم یافت
با یک عصا خورشیدهایم را
از جاده‌های دور خواهیم یافت
*

من با اشارات خودم گفتم
از اول دنیا نشانی را
با بی‌زبانی بازمی‌خوانم
آوازهای هم‌زبانی را
*

موسیقی هرروز باران است
در من سکوتی که همیشه هست
از آخرین فریاد می‌گوید
در من فلوتی که همیشه هست

سال‌شمار زندگی و خدمات احمد رضا محمد نوری: نویسنده و پژوهشگر حوزه معلولیت



برای روشن شدن پاره‌ای از حوادث زندگی احمد، برخی از حوادث زندگی برادران، پدر و فرزندش را هم آورده‌ام. تاریخ‌های شمسی بدون نماد، ولی تاریخ‌های میلادی با حرف م معرفی شده‌اند.

تولد در رشت: ۱۲۹۰/۱۹۱۱م

نابینا شدن بر اثر آبله: ۱۲۹۲

تولد برادرش فضل‌الله: ۱۲۹۳

درگذشت مادرش در ۲۴ سالگی: ۱۲۹۴

ازدواج پدرش با همسر جدید: ۱۲۹۵

سپردن احمد به پیرزنی در رشت: ۱۲۹۵

آغاز زندگی تنها و بدون خانواده در رشت: ۱۲۹۵

مهاجرت پدرش همراه با خانواده به تهران: ۱۲۹۷

پایان جنگ جهانی اول: ۱۲۹۷

تولد برادر ناتنی (عنایت‌الله): ۱۲۹۹

اجاره کردن اتاقی برای احمد: ۱۳۰۱

تلاش صاحب‌خانه برای ثبت‌نام احمد: ۱۳۰۱

مخالفت پدرش با تحصیل: ۱۳۰۱

درگذشت پیرزن خدمتکار: ۱۳۰۲

سکونت در خانه‌های خویشان ۱۳۰۲: به بعد

رفتن به مکتب‌خانه: ۱۳۰۳

رفتن به مدرسه جدید: ۱۳۰۵

مهاجرت به تهران همراه پدر: ۱۳۰۷

تحصیل در مدرسه اتحاد تهران: ۱۳۰۷

بازگشت به رشت: ۱۳۰۹

ادامه تحصیل در مدرسه شاهپور رشت: ۱۳۰۹

جدایی پدر از همسر جدید و بحران خانوادگی: ۱۳۱۰

میراث فرهنگی نابینایان ایران هنوز از لایه‌های سده‌ها و اعصار و از میانه متون و اسناد، استخراج نشده و همچنان چهره‌اش زیر ابرهای تاریخ پنهان مانده و شفاف نشده است. احمد رضا اولین فرد نابینایی بود که بر اساس تجربه‌های شخصی و سپس با آشنایی با قوانین و برنامه‌های اروپا و آمریکا، توان بخشی را مطرح و ابعاد آن را بررسی کرد و آنگاه درباره آن کتاب نوشت و منتشر کرد. او از اولین نابینایانی است که معلم، کتابدار و نویسنده شد.

احمد رضا متولد ۱۲۹۰ش، در دوسالگی بر اثر آبله نابینا شد. او از کودکی به کتاب و علم‌آموزی و تحصیل علاقه داشت؛ هرچند متأسفانه تا سیزده‌سالگی نتوانست به مدرسه برود.

در ادامه مقاله‌های قبلی درباره ابعاد شخصیت احمد رضا، در این شماره سال‌شمار زندگی و خدمات او را بررسی می‌کنیم. تاریخ برخی از حوادث زندگی او مبهم است، ولی برخی تاریخ حوادث را خودش به‌صراحت گزارش کرده است. مواردی را که بر اساس قراین به دست آمد و در تاریخ آن شک و شبهه بود در گیومه گذاشته‌ام.

پیش‌اعترافات یک جاسوس ای هدهد

صبا به سبا می‌فرستمت

به نظرم ما کوران در وضعیت حساس کنونی در قلّه توجهاتمان در طول تاریخ کوریت هستیم و الآن داریم جور سایر دوستان دارای معلولیتیمان را هم به دوش می‌کشیم. احتمالاً مطلع هستید که چند وقت پیش، لخلخ کردن و رجزخوانی‌های دوستان ما در گروه‌های وسیع معلولیتی مورد توجه سازمان هدهد (همه‌کاره‌های دقیق همه‌چیزدان) قرار گرفت. این سازمان مقدس که سابقاً به امور متنوعی هم چون ساخت و ساز، ساخت و پاخت، رفت و روب، ریخت و پاش و... می‌پرداخت و عرصه فعالیتش به درازای لوله‌های نفت، از شرق تا غرب دور گسترده شده بود، جدیداً متوجه شده افراد معلول هم زبان دارند و می‌توانند اعتراض بکنند؛ از همین‌رو به این عرصه هم ورود کرده تا حواسش به همه‌چیز باشد.

باری! دوستان ما در هدهد وقتی دیدند معلولان، اجتماعات بیش از دو نفر داشته‌اند، فوری بچه‌ها را فرستادند سراغ سرکرده‌ها



که آنها را ببرند توی سازمان که حرف دلشان را از نزدیک و در فضایی صمیمی بشنوند. این وسط اما چند تا مشکل کوچک به وجود آمد. هدهدهایی که به منزل سرکردگان رفته بودند، دیدند گونی‌هایی که برای حمل عزیزان برده‌اند مناسب‌سازی نشده است، یعنی عزیزمان را یا باید با ویلچر تو گونی جا می‌کردند که جا نمی‌شد یا بدون ویلچر می‌گذاشتند تو گونی که اون طوری دیگر اصلاً جمع نمی‌شد! خلاصه گفتند چه کار کنیم چه کار نکنیم، به این نتیجه رسیدند که اولاً علی‌الحساب موبایل و لپ‌تاپ عزیزان را ببرند که اگر به تعمیر یا به‌روزرسانی نیاز دارد به انجام برسانند. ثانیاً گفتند برویم سراغ معلولی که در گونی جا شود. این شد که گشتند و گشتند تا رسیدند به ما کوردلان عزیز. الآن هم دوره افتاده‌اند که ما را جمع کنند تا غائله مشکلات معلولان جمع شود؛

ورود به دوره متوسطه: ۱۳۱۰

درگذشت پدر: ۱۳۱۷

فارغ‌التحصیل شدن فضل‌الله از دانشکده فنی، رشته برق: ۱۳۱۷

دریافت دیپلم ادبی: ۱۳۱۸

استخدام فضل‌الله در دانشکده فنی: ۱۳۱۹

اجاره خانه در تهران و زندگی با فضل‌الله: ۱۳۱۹

تألیف کتاب چهارصد مسئله حساب برای ابتدایی و نشر آن: ۱۳۲۱

تألیف کتاب سیصد مسئله حساب و جبر برای متوسطه و نشر آن: ۱۳۲۱

تألیف کتاب دویست مسئله (چاپ‌نشده): ۱۳۲۲

ازدواج: ۱۳۲۲

رفتن فضل‌الله به آمریکا: ۱۳۲۳

تحصیل در رشته فلسفه: ۱۳۲۳-۱۳۲۶

تولد اولین فرزند به نام کاظم: ۱۳۲۴

نامه به فرهنگ برای اشتغال: ۱۳۲۴

پذیرش برای دبیری (تدریس در دبیرستان): ۱۳۲۵

بازگشت فضل‌الله به ایران: ۱۳۲۶

اخذ مدرک کارشناسی زبان خارجه: ۱۳۲۶

انتشار کتاب اثری از بی‌بصری: ۱۳۲۷

درگذشت عنایت‌الله رضا: ۱۳۸۹

درگذشت کاظم رضا: ۱۳۹۵

درگذشت فضل‌الله رضا: ۱۳۹۸

نسل‌مانا

بدو تولد کور بود، بعد یک‌هفته به وسیلهٔ تکنولوژی دانشمندان توانمند داخلی و به دست پزشکان متخصص و بدون کراوات، مورد جراحی قرار گرفته و یک‌شبه چشم‌هایش مثل عقاب تیزبین شده بود. احسان خان با احساس که شب عیدی دل ملتی را شاد کرد و بابت این شادسازی، چندمیلیاردی هم به جیب زد، از طرف جامعهٔ نابینایان مورد انتقاد قرار گرفت که «عامو! مگه کشکه؟!» ایشان اما همه چیز را به کشکک زانویش حواله کرد و جواب کسی را نداد که نداد. خب! راستش را بخواهید ما هم فشارمان رفت بالا و باز شیطان بزرگ گولمان زد و خبر این کلاشی ملی را فرستادیم برای یکی دوتا از این شبکه‌های آن‌وری. آن دوستان هم که با این دوستان هم‌پیاله بودند، فوری خبر را به گوش احسان و دیگر بچه‌ها رساندند و ۲۴ ساعت نگذشت که صدای صاحب تلویزیون درآمد که بابا مسخره کردید! جمع کنید این غائلهٔ چرت را! احسان هم فکر کرده بود باید عذرخواهی کند؛ رو همین حساب چهارتا کور جمع کرد و مثلاً عذرخواهی کرد، اما بعداً بهش گفتند: «بچه‌جان! عذرخواهی مال جوامع غربی نفهمه. جامعهٔ همه‌چی‌دان مسلح به حاکمیت مطلق همه‌چی فهم، نیازی به عذرخواهی نداره، شما فقط بزخواهی کنی کافیه، یعنی مثل بز تو چشم مردم نگاه کن و هرچه می‌خواهی بگو!» احسان هم که خوب دستورالعمل‌ها را از بر بود، مثل طوطی اجرا کرد و خدا را شکر همه چیز همان‌طور که خواسته بودند شد.

مورد آخر را خجالت می‌کشم بگویم، چون نه شبهه جاسوسی، بلکه یک دورهٔ کامل جاسوس‌پروری بود. قضیه از این قرار بود که در فضای فاسد مجازی، اطلاعیه‌ای دیدیم که یک نهاد غیر انتفاعی خارج‌جکی تصمیم گرفته یک‌سری کلاس‌های آموزشی مجازی برای افراد دارای معلولیت برگزار کند. ما هم که خیلی احمق تشریف داشتیم، نگفتیم خب! آره این نهاد برای چه چیزی باید این کار را بکند؟! چه نفعی برایش دارد؟! چرا پولش را نمی‌دهد آقازاده‌هایش برون کانا‌دا عیاشی

از همین‌رو با توجه به اینکه ما از سرکردگان کوردلان هستیم، احساس کردیم عن‌قرب است سراغمان بیایند؛ لذا تصمیم گرفتیم پیش از اینکه دستگیر شویم، خودمان به یک‌سری از کارهایی که کرده‌ایم اعتراف کنیم تا بار گناهانمان سبک‌تر شود.

راستش را بخواهید ما در این چند سال خیلی خیانت کرده‌ایم و ناخواسته چندین بار عامل بیگانه شده‌ایم؛ آخرین بارش هم همین چند هفته پیش بود. ماجرا از این قرار بود که ما مطلع شدیم یک بزرگوار جودوکار که غواص هم بوده و گواهی‌نامهٔ رانندگی داشته و تازه سربازی هم رفته بوده، برای کمک به جامعهٔ نابینایان و کم‌بینایان، قبول زحمت فرموده و به جای ما به مسابقات جودو رفته. خب! دروغ چرا؟! ما خیلی وقت پیش از این ماجرا خبر داشتیم و چندین بار همهٔ دوستان را در فدراسیون خبر کرده بودیم، اما عزیزان در فدراسیون معتقد بودند حالا که نیکوکاری پیدا شده که می‌خواهد به جای شما جور سفر چین و ماچین را بکشد، نباید این همه ناسپاس باشید! این شد که فریادهای ما ره به جایی نبرد و شیطان گولمان زد و رفتیم و رایانامه‌ای فرستادیم برای کفار و سیر تا پیاز را برایشان تعریف کردیم. به‌خدا که ما فکر نمی‌کردیم این‌قدر برایمان بد بشود و این عزیز فداکار را از مسابقات اخراج کنند. ما فکر کردیم نهایتاً مثل کشور خودمان با دو تا تشر و یک چشم‌غره سر و ته قضیه را هم می‌آورند، البته که در اینجا اتفاق خاصی هم نیفتاد و نهایتاً گفتند بندهٔ خدا به خاطر تقلب اخراج نشده بود، بلکه به دلیل مصرف مواد، آزمایش ایشان مثبت شده بود. یکی دو روز بعد هم گفتند اصلاً این بزرگوار از مسابقات اخراج نشده بود، بلکه مرخصی زندانش تمام شده بود و باید زودتر برمی‌گشت. به‌هرحال ما از اینکه در این فقره، عامل بیگانه شدیم بسیار شرمساریم. خدا از گناهان ما بگذرد! به‌خدا از عذاب وجدان داریم کباب‌کوبیده می‌شویم.

در فقرهٔ دیگری یاد داریم که شب عیدی، تیلیویزیون کاملاً ملی، یک خواهر روشن‌دل را آورده بودند که از

در پایان بخشی از شعر زیبا از لسان‌الغیب را با عشق تقدیم می‌کنیم، امید که توبه‌نامه‌ی ما مورد پذیرش دوستان هدهدی قرار گرفته باشد.

ای هدهد صبا به سبا می‌فرستمت
بنگر که از کجا به کجا می‌فرستمت
حیف است طایری چو تو در خاکدان غم
زین جا به آشیان وفا می‌فرستمت
در راه عشق مرحله‌ی قرب و بُعد نیست
می‌بینمت عیان و دعا می‌فرستمت
هر صبح و شام قافله‌ای از دعای خیر
در صحبت شمال و صبا می‌فرستمت
تا لشکر غمت نکند مُلک دل خراب
جان عزیز خود به نوا می‌فرستمت
ای غایب از نظر که شدی هم‌نشین دل
می‌گویمت دعا و ثنا می‌فرستمت
...

ساقی بیا که هاتف غیبیم به مژده گفت
با درد صبر کن که دوا می‌فرستمت
«موشی سرود مجلس ما ذکر خیر توست
بشتاب هان که اسب و قبا می‌فرستمت

خاکسار کم‌مقدار

موشکاف، متخلص به موشی

کنند؟! آخر این عاقلانه است که پول بی‌زبان را خرج ما کند؟! آخر مگر نهادهای بین‌المللی جز جاسوسی کار دیگری می‌کنند؟! خلاصه هیچ‌یک از این موضوعات اظهر من الشمس برایمان سؤال نشد و مثل بز آخفش رفتیم و تو کلاس‌ها شرکت کردیم، اما چشمتان روز بد نبیند، اولاً برای ترویج فحشا، کلاس‌ها را مختلط برگزار کردند، در صورتی که به‌راحتی می‌توانستند اتاق جدا ایجاد کنند؛ این که در فضای مجازی خرجی نداشت! ثانیاً از ابتدا تا انتهای کلاس، هرچه گفتند برعکس قوانین حاکم بر مملکت ما بود، مثلاً گفتند افراد دارای معلولیت انسان هستند؛ مثل سایر مردم حقوقی دارند که باید برآورده شود؛ حکومت موظف است نیازهای ایشان را برآورده کند و خنده‌دارتر از همه اینکه بهزیستی به‌عنوان متولی امور افراد معلول، موظف به پاسخ‌گویی در همه‌ی این موارد است. ما که این‌همه دروغ شاخ‌دار یکجا نشنیده بودیم، بعد از این کلاس‌ها کلاً متحول شدیم و راه افتادیم یقه‌ی این و آن را گرفتیم که آقا حق ما رو پس بده! اما حالا که خوب فکر می‌کنیم می‌بینیم اینها دروغی بیش نبوده که به قصد فریب ما گفته شده.

ما پس از رؤیت دستگیری دوست عزیزمان و تأمل و تفکر فراوان به این نتیجه رسیدیم که دشمنان ما در عرصه‌ی جنگ زمینی، هوایی، دریایی، نفتی، فرهنگی، هنری، ورزشی، صنعتی، سنتی و توهمزاتوانستند ما را شکست بدهند و حالا وارد عرصه‌ی معلولیت شده‌اند، اما باید بدانند که ما افراد دارای معلولیت در اینجا و سایر جاهایی که پولمان نفوذ دارد، تا نفت در لوله‌هایمان داریم، در برابر یاهو‌سرایی و دروغ‌گویی‌های این معلوم‌الحال‌ها می‌ایستیم و نمی‌گذاریم دروغ‌هایشان را در قالب حقوق بشر، هم‌نوع‌خواهی، انسان‌دوستی و... به ما قالب کنند. ما با صراحت تمام بیان می‌داریم که همه‌ی نهادهای بین‌المللی، از w h o تا سازمان ملل و سایر سازمان‌ها، لانه‌ی جاسوسی دشمنان ما هستند و از همه‌ی این جاسوسان شوم اعلام براءت می‌کنیم.



Hangzhou 2022
Asian Para Games



برجسته نگار هوشمند همراه، تولید شرکت پکتوس



صاحب امتیاز: انجمن نابینایان ایران

وبسایت: www.naslemana.com / ایمیل: info@naslemana.com

اینستاگرام: @naslemana.mag / تلگرام: @naslemana / واتساپ: +۹۸ ۹۱۲۷۲۷۷۵۵۳

شماره تماس: ۰۲۱-۲۲۵۶۰۲۵۵ / سامانه پیامکی: ۵۰۰۰۲۲۲۲۲۶